

ابعاد و شاخص‌های مشترک در ارتقا کیفی سکونتگاه‌های غیررسمی و بازآفرینی شهری پایدار در ایران

محمد رسولی^۱

دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

سیدعلی نوری

استادیار گروه شهرسازی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

حسین ذبیحی

دانشیار، گروه شهرسازی، واحد علوم تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۱

چکیده

امروزه تقریباً در همه کشورهای در حال توسعه جهان، مسئله سکونتگاه‌های غیررسمی، ذهن مدیران ملی و شهری را مشغول خود ساخته است و کشورهای مختلف با مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی بافت‌های ناکارآمد دست به گریبان هستند. با گذشت سالهای طولانی، این مشکل نه تنها کاهش نیافته بلکه رشد سریع و چمگیری را تجربه می‌کند. در ایران نیز در طول چند دهه اخیر، این مسئله، یکی از دغدغه‌های جدی مدیران، لاقل در نظر و نوشتارها بوده است. اما آنچه اهمیت فراوانی دارد، نگاه درست به این سکونتگاه‌ها و ورود به حل مسئله از دریچه مناسب است. از این رو لازم است بر خلاف روش‌های مبتنی بر کالبد و ناکارآمد گذشته، نسبت به ارتقای کیفی این سکونتگاه‌ها مبادرت شود. پژوهش حاضر بخشی از نتایج رساله دکتری رشته شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال با عنوان «تبیین سیاست‌ها و روش‌های ارتقای کیفی سکونتگاه‌های غیررسمی با تأکید بر بازآفرینی شهری؛ مورد پژوهش سنندج» است و به دنبال پاسخ برای این پرسش است که ابعاد و شاخص‌های مشترک در ارتقا کیفی سکونتگاه‌های غیررسمی و بازآفرینی شهری پایدار در ایران کدام است؟ پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی و با تکنیک دلفی انجام شد و در سه نوبت از تعداد ۵۰ نفر از متخصصان، صاحب‌نظران و پژوهشگران حوزه ساماندهی و بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد، حاشیه‌ای و فرسوده شهری نظرخواهی شد. نتایج شامل ابعاد کالبدی، زیست محیطی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و مدیریتی و شاخص‌های مهم هر یک از ابعاد مذکور است.

واژگان کلیدی: بازآفرینی پایدار - سکونتگاه‌های غیررسمی - ارتقا کیفی - ابعاد و شاخص‌ها

مسئله‌شناسی بازآفرینی پایدار شهری

طی چند سال اخیر، ساماندهی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد یکی از موضوعات اصلی گریبان گیر سازمان‌ها و نهادها و مدیران شهری بوده تا جایی که عدم توانایی این سازمان‌ها در حل این معضل شهری باعث گردیده که در محافل علمی و دانشگاهی نیز به این موضوع مهم پرداخته شود. آنچه امروزه تحت عنوان بافت‌های ناکارآمد مورد مطالعه اندیشمندان علوم شهری است در واقع محصول فرایندهای متعددی است که در قالب فرم فرسوده تکوین یافته است. بافت‌های فرسوده و ناکارآمد، بافت‌هایی هستند که در فرایند زمان طولانی شکل گرفته و تکوین یافته‌اند و امروز در محاصره فناوری عصر حاضر گرفتار شده‌اند. اگرچه این بافت‌ها در گذشته به مقتضای زمان دارای عملکرد منطقی و سلسله‌مراتبی بودند ولی امروز ازلحاظ ساختاری و عملکردی دچار کمبودهایی می‌باشند و آن‌گونه که می‌باید پاسخ گوی نیاز ساکنین خود نمی‌باشند. مجموعه شرایط فوق مبین ناپایداری این بافت‌ها در ابعاد مختلف بوده و در تعارض با پایداری و اهداف توسعه پایدار قرار دارد (کشاورز، ۱۳۸۹: ۱۹).

در ایران بافت‌های ناکارآمد شهری به عرصه‌هایی از محدوده‌های قانونی شهرها اطلاق می‌شود که به دلیل فرسودگی کالبدی، عدم برخورداری مناسب از دسترسی سواره، تاسیسات-خدمات، زیرساخت‌های شهری آسیب‌پذیر بوده و درعین حال از ارزش مکانی - محیطی و اقتصادی و اجتماعی برخوردارند. این بافت‌ها به دلیل فقر ساکنان و مالکان آن‌ها، امکان نوسازی خود به خودی را نداشته و نیز سرمایه‌گذاران انگیزه‌ای جهت سرمایه‌گذاران در آن را ندارند. در حال حاضر سکونت بیش از یک‌چهارم جمعیت شهری کشور در محدوده بافت‌های ناکارآمد شهری حکایت از اهمیت موضوع برنامه‌ریزی برای این محدوده‌ها دارد. در این میان بخشی از بافت‌های شهری متأثر از شهرنشینی شتابان دهه‌های اخیر است که بدون توجه به معیارهای شهرسازانه و معمارانه در جهت خلاف واحدهای زیستی پدید آمده و چهره بی‌هویت برای شهرها به وجود آورده است. این نوع از بافت‌های میانی که عمدتاً در شهرهای بزرگ کشور رخساره یافته‌اند، به لحاظ موقعیت استقرار، پیرامون بافت‌های تاریخی ایجاد شده‌اند. اقداماتی که تاکنون برای این نوع بافت‌ها انجام شده (مداخلات مستقیم دولت و شهرداری‌ها)، عمدتاً به جابجایی جمعیت انجامیده، این در حالی است که تحقق ساماندهی بافت‌های ناکارآمد شهری بدون حضور و مشارکت همه کنشگران این عرصه (مردم، مدیریت شهری و دولت به‌ویژه نهادهای متولی زیرساخت‌ها، و بخش خصوصی) دست‌یافتنی نیست. تحقیقات متعددی در داخل و خارج از کشور جهت تحلیل بافت‌های ناکارآمد شهری و تبیین رویکرد بازآفرینی شهری انجام شده و بازآفرینی شهری در کشور، شاهد تکامل تدریجی در معنا و مفهوم خود بوده است. پژوهش حاضر سعی دارد ابعاد و شاخص‌های مشترک در ارتقا کیفی سکونتگاه‌های غیررسمی و بازآفرینی شهری پایدار در ایران را دریابد.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، فیش‌برداری و شیوه گردآوری داده‌ها، اسنادی بوده است که با مراجعه به کتابخانه‌ها، مراکز اسناد الکترونیک، اعم از دانشگاهی و یا وابسته به نهادها و سازمان‌ها مانند شهرداری و وزارت راه و شهرسازی میسر گردیده است. از نظر زمانی پژوهش در سال ۱۳۹۷ انجام شده است.

تکنیک مورد استفاده در این پژوهش، دلفی است. یکی از روش‌های کسب دانش گروهی مورد استفاده، تکنیک دلفی (Imani Jajarami, 2000; 35-39) است که فرایندی دارای ساختار برای پیش‌بینی و کمک به تصمیم‌گیری در طی

راندهای پیمایشی، جمع آوری اطلاعات و در نهایت، اجماع گروهی است (Kennedy, 2004; 504-511 & Dunham, 1996. [Cited 2002 Mar 24]). در حالی که اکثر پیمایش‌ها سعی در پاسخ به سؤال «چه هست» دارند، دلفی به سؤال «چه می‌تواند/چه باید باشد» پاسخ می‌دهد (Powell, 2003; 376-382). تکنیک در ابتدا بر مبنای حدس، قضاوت و الهام افراد مطرح شد و اما به تدریج شکل علمی گرفت و اولین بار در اواخر ۱۹۵۰ توسط کمپانی RAND برای بررسی علمی نظرات کارشناسان در پروژه دفاعی ارتش طراحی و توسعه یافت اما به دلایل امنیتی تا ۱۲ سال بعد منتشر نگردید. اولین کاربرد غیر نظامی آن نیز در برنامه ریزی توسعه اقتصادی پیشنهاد شد (Turoff and Linstone, 2008 & Landeta, 2006; 467-482). دلفی، از نیمه دهه ۱۹۶۰ به عنوان یک روش مهم علمی شناخته شد و اکنون برای طیف گسترده‌ای از سؤالات آینده محور و پیچیده، و در طیف گسترده‌ای از زمینه‌ها و دیسپلین‌ها استفاده می‌شود.

دلفی یکی از رایج‌ترین و شناخته شده ترین روش‌های آینده پژوهی است، دلفی از جمع آوری نظرات کارشناسان در دفعات متعدد با استفاده متوالی از پرسشنامه‌ها به دست می‌آید و برای نمایش همگرایی نظرات و تشخیص اختلاف عقیده‌ها و یا واگرایی آرا به کار می‌رود (سلامتی، ۱۳۹۲).

تعاریف متعددی از دلفی ارائه شده است که بعضی عبارتند از:

-دلفی رویکرد یا روشی سیستماتیک در تحقیق برای استخراج نظرات از یک گروه متخصصان در مورد یک موضوع یا یک سؤال است (Hsu and Sandford, 2008).

-رسیدن به اجماع گروهی از طریق یک سری از راندهای پرسشنامه‌ای با حفظ گمنامی پاسخ دهندگان، و فیدبک نظرات به اعضای پانل است (Keeney and Hasson, 2001; 195-200).

-درخواست قضاوت‌های حرفه‌ای از متخصص مستقل در مورد یک موضوع ویژه در سطح بزرگ جغرافیایی با استفاده از پرسشنامه‌ها است که تا زمان دستیابی به اجماع نظرات مداوم تکرار می‌شود (Irannejadeparizy, 1999 & Okoli and Pawlowski, 2004; 15-29).

-روش مطالعه چند مرحله‌ای برای گردآوری نظرات در موارد ذهنی بودن موضوع و استفاده از پاسخ‌های نوشتاری بجای گردم آوردن یک گروه متخصص است، و هدف اجماع با امکان اظهار نظر آزادانه و تجدید نظر عقاید با تخمین‌های عددی به دست می‌آید (Ali, 2008 & Burns and Grove, 2001).

در این تکنیک، افراد هیچ گاه به صورت گروه در یک جلسه و دور یک میز جمع نمی‌شوند و در واقع رویارویی مستقیم رخ نمی‌دهد. اساس و فلسفه این تکنیک این است که افراد در تکنیک طوفان فکری بنا به دلایلی نمی‌توانستند بعضی از ایده‌هایشان را مطرح نمایند، لذا در این روش افراد به صورت کلامی و رو در رو درگیر بحث نمی‌شوند. بلکه پژوهشگر، موضوع را به همه اعلام می‌کند و سپس هریک از افراد به طور جداگانه ایده‌هایشان را به صورت کتبی (حتی می‌تواند بدون ذکر نام باشد) برای پژوهشگر ارسال می‌کنند. سپس پژوهشگر تمام ایده‌های پیشنهادی را برای تک تک اعضا ارسال می‌کند و از آن‌ها می‌خواهد که نسبت به ایده‌های پیشنهادی دیگران فکر کنند و اگر ایده‌ی جدیدی به نظرشان می‌رسد به آنها اضافه کنند. این عمل چندین بار تکرار می‌شود تا در نهایت اتفاق آرا

به دست آید. فن دلفی شامل دعوت به مشورت و مقایسه‌ی قضاوت‌های بی نام چند نوبتی اعضای یک تیم در باره تصمیم یا مسئله می‌شود.

تکنیک دلفی در برخی موارد از جمله آنچه که در زیر بیان شده است بکار می‌رود:

۱- هنگامی که قرار باشد نظر اعضای یک تیم در مورد شخصی به دست آید بی آنکه روبرو شدن آنان سبب احتمال خطا در قضاوت شود.

۲- هنگامی که اعضای یک تیم در یک جا مستقر نباشند.

۳- زمانی که لازم است اعضای تیم نسبت به تصمیمی که می‌گیرند و عواقب آن به طور کامل آگاه و مسئول باشند.

۴- هنگامی که حضور چهره‌های بالادست و فشار همتایان بر تصمیم‌گیری اثر می‌گذارد.

روش دلفی به چهار روش اصلی دلفی کلاسیک، دلفی سیاست، دلفی تصمیم‌گیری اثر می‌گذارد. روند روش دلفی کلاسیک در شکل شماره ۱ مشخص شده است.



شکل شماره ۱: مراحل فرآیند دلفی کلاسیک منبع: نگارندگان

مهم‌ترین شرایط مورد نیاز برای کاربرد دلفی نیاز به قضاوت متخصصان و نظرات گروه وسیع، توافق گروهی در دستیابی به نتایج، وجود مشکل پیچیده، بزرگ و بین رشته‌ای و عدم توافق یا ناکامل بودن دانش، در دسترس بودن متخصصین با تجربه و متخصص، از نظر جغرافیایی پراکنده، لزوم گمنامی در جمع‌آوری داده‌ها، عدم محدودیت زمانی و نبود روش اثربخش دیگری است (Powell, 2003; 376-382 & Landeta, 2006: 467-482 & Dempsey and. (Dempse, 2000 & Beretta, 1996; 79-89 & McKenna, 1994; 1221-1225).

اجزای اصلی دلفی شامل تکرار یا بازگویی، پرسشنامه، متخصصین، بازخورد کنترل شده، گمنامی، آنالیز نتایج، اجماع، زمان و تیم هماهنگ کننده است (Powell, 2003; 376-382 & Landeta, 2006: 467-482 & Dunham. 1996. ([Cited 2002 Mar 24], Browne, Robinson and Richardson, 2002; 133-144).

ادبیات و پیشینه موضوع

گذاری بر مفهوم بازآفرینی

بازآفرینی شهری پایدار؛ بنا بر تعریف دکتر محسن حبیبی مقصود از واژه بازآفرینی^۱ به وجود آمدن یک نسل جدید است. با مثالی می‌توان این امر را روشن‌تر بیان کرد؛ هر فردی از نظر شکل، حرکات، رفتار، شیوه راه رفتن، حرف

^۱. Regeneration

زدن و... شبیه پدر، مادر، پدربزرگ یا مادربزرگ خود است، اما با وجود همه شباهت‌ها، شخصی منحصر به فرد است. به بیان دیگر ممکن است کالبد و ظاهر فرد، تداعی‌کننده فرد دیگری باشد اما آن شخص فردی دیگر در نسل سوم خانواده بوده و رفتار، گفتار، تفکرات و هنجارهای منحصر به فردی دارد. این امر به معنای آن است که فرد Regenerate شده است. در مرکز کهن شهری نیز ممکن است عناصر کالبدی متعلق به سیصد سال پیش باشد، ولی رفتارهای این مرکز شهری به آن دوره تعلق ندارد و Regenerate شده است. به عبارت دیگر این مرکز شهری معاصر سازگاری شده و با حفظ ویژگی‌های شکلی، اندامی، با تغییر رفتار و اندیشه، فرزند زمان خودش است؛ یعنی ظرف یگانه‌ای است که در آن مظهر دیگری ریخته شده است. با این تعریف انسان و شهر هر دو با مظهرشان شناخته می‌شوند. زمانی که با انسانی مواجه می‌شویم ابتدا ظاهر او را درک می‌کنیم؛ اما سپس رفتار، هنجار، گفتار و اندیشه اوست که ماهیتش را برای ما مشخص می‌کند. شهر نیز چنین است. بازآفرینی شهری که می‌توان آن را معادل عبارت Urban Regeneration دانست که به معنی آفرینش مجدد است؛ یعنی روح دیگری در کالبد بنا، مجموعه یا بافت دمیده شده است. برای مثال یک خانه تاریخی را حفظ و با دقت آن را مرمت می‌کنیم؛ ولی به محض آنکه روح دیگری در آن دمیده می‌شود تغییری بنیادین می‌کند. برای مثال خانه بروجردی‌ها می‌تواند عملکرد رستوران یا هتل داشته باشد یا خانه رسولیان یزد به دانشکده معماری و شهرسازی تبدیل شود. در واقع کالبد حفظ شده و رفتارها و هنجارهای بنا تغییر می‌کند (حبیبی، ۱۳۹۴).

سیاست‌ها و اقدامات اجرایی بازآفرینی یکپارچه پایدار؛ اصول پایداری در شهر و یا بخشی از آن در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه شباهت‌های زیادی باهم دارند، در عین آنکه تفاوت‌های عمیقی نیز باهم دارند. موضوع پایداری در عین آنکه مسئله‌ای حساس و در جایگاه خود بسیار مهم تلقی می‌شود، اما منابع دقیق مطالعاتی در آن کمتر یافت می‌شود. این مقوله خود فرصتی را برای پژوهش‌های دقیق و ارائه الگوهای موفق در مسیر دستیابی به پایداری را در کشورهای در حال توسعه فراهم می‌سازد. نکته بسیار مهم در این دیدگاه آن است که در این کشورها، بُعد اجتماعی حساسیت بسیار بالایی دارد و توسعه از دید شهروندان صورت می‌گیرد، تا حدی که در نهایت رفتار و انتخاب شهروندان بیانگر موفقیت یا شکست توسعه پایدار و پایداری است. در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته عمده تمرکز بر ابعاد پایداری اکولوژیکی، جغرافیایی و فضایی است. در معنایی عمیق‌تر، پایداری حاوی مضامین اخلاقی و فردی است که می‌تواند گرایش‌ها و جهت‌های تصمیم‌گیری را تحت تأثیر خود قرار دهد. بنابراین، موفقیت در پایداری در هر سطحی از محیط‌های شهری به تک‌تک شهروندان، گرایش‌ها، تصویر ذهنی و تمایل آن‌ها - به صورت کاملاً انتخابی برای پذیرفتن و یا رد کردن توسعه پایدار بستگی دارد. بنابراین توسعه پایدار زمانی تحقق کامل می‌یابد که نه تنها نیازهای شهروندان را برطرف سازد، بلکه مغایرتی با ارزش‌ها، هنجارها و به صورت کلی فرهنگ آن جوامع نداشته باشد.

طبقه‌بندی راهبردهای برنامه‌ریزی بازآفرینی؛ بر اساس مباحث فوق‌الذکر، پنج رویکرد اساسی در فرایند بازآفرینی شهری وجود دارد. بنابراین پنج پیشنهاد مطابق با سطح و نوع منسوخ‌شدگی و پویایی‌های توسعه برای دستیابی به بافت‌های شهری پایدارتر وجود دارد. وجود منابع غنی عملکردی و پویایی‌های توسعه همراه بوده اما با مشکلات

کالبدی مواجه است. سازه‌های ناپایدار بناهای تاریخی و ارزشمند، عدم رعایت استانداردهای ساختمانی در بافت‌های پرکننده، ساختارهای نامناسب معابر، زیرساخت‌های شکننده، سیستم‌های بهداشتی ناکارآمد، کاهش کیفیت‌های زیست‌محیطی، وجود عملکردهای نسبتاً فعال در بافت، ترجیح ساکنان برای اقامت در محله، وجود فعالیت‌های مناسب برای استفاده معاصر و یا قابلیت تطبیق‌دهی برای استفاده‌های پیشنهادی از نشانه‌های محله‌های تاریخی نیازمند بازآفرینی کالبدی است. بافت مذکور دارای پایداری نسبی است و با توجه به این نتایج، هر بافت تاریخی با پویایی‌های بالای توسعه‌ای و مشکلات کالبدی باید بتواند از راهبرد بازآفرینی کالبدی در کوتاه‌مدت استفاده نماید.

در حالت دوم و سوم، رویکرد راهبردی زمانی حاصل می‌شود که هر محله در بافت تاریخی دارای ناپایداری نسبی به دلیل وجود نواقصی در ابعاد کالبدی و عملکردی و دارای مشکلاتی در ساختار اقتصادی - اجتماعی است. در این صورت و اگر بافت تاریخی مشکلات کالبدی و عملکردی داشته باشد، موقعیت‌های ساختاری ضعیفی دارد. وجود فضاهای خالی در بافت، ساختمان‌های بسیار قدیمی، افزایش استفاده‌های ناسازگار، نبود نگهداری، سیستم‌های بهداشتی از کار افتاده، کاهش مالکیت بومی در محله، وجود شواهدی از تغییرات در ترکیب اجتماعی و مهاجرت از محدوده نشان‌دهنده این وضعیت در بافت تاریخی است. بر اساس این نتایج، باید به بازآفرینی کالبدی و تنوع عملکردی به‌عنوان راهبرد کوتاه‌مدت و بازآفرینی اقتصادی یا اجتماعی در بلندمدت برای افزایش جذابیت و سطح پایداری محله‌های تاریخی شهری پرداخت.

حالت چهارم، زمانی است که بافت با وجود مشکلات - چه بسا اندک - کالبدی، به جهت وجود ساختارهای نامناسب و نامتعارف اجتماعی و اقتصادی در ناپایداری اقتصادی و اجتماعی قرار دارد. در چنین بافتی، وجود رفتارهای نامناسب اجتماعی، قشری شدن فضای شهری، اقتصاد کاذب، کاهش امنیت اجتماعی، نبود روحیه درون بافت و عدم مشارکت شهروندی در تحوّل و بهبود مسائل محله‌ای موجب شده است تا بافت تاریخی با وجود ارزش‌های غنی و قابل استفاده کارکردهای نامناسب داشته باشد. در چنین شرایطی نیاز به اتخاذ راهبرد بازآفرینی کالبدی در کوتاه‌مدت و افزایش سرزندگی اقتصادی و انسجام اجتماعی در بلندمدت است. حالت پنجم زمانی به کار گرفته می‌شود که بافت تاریخی شهری در وضعیت ناپایدار قرار دارد و نواقص گسترده‌ای در ابعاد کالبدی، عملکردی و موقعیتی وجود دارد. اگر بافتی در سه وضعیت مذکور دچار نواقص باشد، پویایی‌های توسعه‌ای در شرایط بسیار وخیم و بحرانی قرار دارد. در چنین شرایطی، بافت تاریخی دارای درصد بناهای ضعیف بالا، میزان بالای سطح ناسازگاری در نوع استفاده از بناها و نرخ فضاهای خالی زیاد است. ساختار اجتماعی در این نوع بافت‌های تاریخی نیز دچار تغییرات اساسی شده‌اند و جمعیت کثیری با محرومیت‌های اقتصادی - فرهنگی در چنین ساختارهایی ساکن می‌شوند. در پی تشخیص این مسائل در بافت‌های تاریخی، اینک زمان به‌کارگیری مناسب‌ترین رویکرد راهبردی برای ایجاد ماهیت پایداری در بازآفرینی شهری است؛ به عبارت بهتر تزریق محتوای جدید در اشکال قدیم مورد نظر قرار می‌گیرد.

بازآفرینی بافت‌های تاریخی نیازمند اقدامات مؤثر و متناسب با شرایطی است که بافت با آن مواجه است. بر اساس مطالب ارائه شده بافت‌های تاریخی از وضعیت پایدار و نسبتاً پایدار تا کاملاً ناپایدار باید اقدامات متناسب با خود را داشته باشند. جدول زیر بر اساس نوع فرسودگی که خود از نشانه‌های فرسودگی شناخته می‌شود و نوع مکانیزم‌های

توسعه پویا که از نشانه‌های زمینه - های پایداری در بافت تاریخی قابل‌شناسایی است به تعیین نوع و سطح ارائه راهبردهای برنامه‌ریزی بازآفرینی می‌پردازد (حسن‌زاده و سلطان‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۷ - ۲۴).

سیر تحول و تکامل بازآفرینی شهری و سیاست‌های بهسازی و نوسازی

در بررسی سیر تکاملی بازآفرینی شهری نگاهی بیش از یک قرن تجربه تئوری بهسازی و بازآفرینی شهری از بعد از انقلاب صنعتی تا اوایل قرن حاضر، ضروری به نظر می‌رسد. این مطالعه بیانگر مراحل متفاوت با اندکی هم‌پوشانی این دوره‌های تاریخی است. هرکدام از این دوره‌ها با هدف مرمت و بهسازی و نوسازی بافت‌های قدیمی شهری، بیانگر سطوح مختلفی از مداخله، دگرگونی در مفهوم و محوی و وارد شدن جنبه‌ها و عرصه‌های جدید در مقوله مرمت شهری است.

*قرن نوزدهم و پیامدهای انقلاب صنعتی

حفاظت از ثروت‌های فرهنگی در قرون گذشته همواره به‌مثابه امری عینی مورد عمل بوده است، اما از اواسط قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی، با شکل‌گیری تئوری‌های مرمت معماری، این امر شکل تازه‌ای به خود گرفت. با ویرانی‌های ناشی از انقلاب کبیر فرانسه و تحولات و پیامدهای انقلاب صنعتی در بریتانیا و فرانسه مرحله اول شکل گرفت. کلیساها و بناهای مذهبی بسیاری آسیب دیدند. در سال ۱۸۳۷، کمیسیونی به نام "کمیسیون ملی یادمان‌های تاریخی" برای حمایت از آن آثار تأسیس شد. هم‌زمان با اقدامات حفاظتی و نگاهداشت آثار تاریخی و ارزشمند، دو جریان هم از نیمه دوم قرن نوزدهم به بعد منجر به تغییرات عمده در سازمان فضایی - اجتماعی بافت‌های شهری گردید. نخست اقدامات «بارون هوسمان» در پاریس با تخریب بخش‌هایی از محلات پرجمعیت و احداث بولوارهای وسیع که خود سرمنشأ مداخلات وسیعی در بافت‌های شهری سایر کشورها گردید، از سوی دیگر قوانین و برنامه‌های صیانتی انگلستان برای جواب‌گویی به نیازها و حل مشکلات شهرهای قدیمی که پا به مرحله صنعتی گذارده بودند (فلامکی، ۱۳۸۶: ۱۶۸).

قرن نوزدهم میلادی توجه به حفاظت صرف از ساختمان‌های منفرد با گرایش به مرمت سبکی رایج وابسته به تقلید را به‌عنوان تفکر غالب در اروپا مطرح و مورد عمل بود. از سوی دیگر، در اواخر قرن ۱۹ میلادی جنبش جدیدی بر پایه تفکرات جان راسکین شکل گرفت که تاکنون نیز به‌عنوان یکی از گرایش‌های عمده مورد توجه و عمل است.

*حفاظت و توسعه در نیمه اول قرن بیستم

تحولات عمده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در نیمه نخست قرن بیستم میلادی، موجب بروز تقابل‌های گسترده‌ای در فرآیند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های شهری گردید. از یک‌سو جنگ‌های جهانی و نیاز به بازسازی گسترده ویرانی‌ها، شیوع تفکر تنوع‌گرایی در اوایل این قرن و نیز پیامدهای انقلاب صنعتی گرایش به توسعه را شدت می‌بخشد و از سوی دیگر پیگیری اندیشه‌های حفاظت با آمیخته‌ای فن‌آوری روز و همچنین شروع حمایت‌ها در مقیاس بین‌المللی که منجر به تدوین اولین منشور مرمت معماری در کنگره ۱۹۳۱ آتن گردید، موجبات تداوم جنبش حفاظت می‌گردید. در مواد ۹۵ گانه منشور آتن تأکید بر پیوندهای ناگسستنی بین مجموعه‌ای از شرایط کالبدی، ساختمانی، بهداشتی، مقیاس و تناسب‌های فضایی، ویژگی‌های تاریخی و جغرافیایی و کیفیت فضای زیستی شهر

هویداست. با این حال در عصر توسعه سریع شهرهای صنعتی و مداخله‌های شتابان و نامعقول؛ نه تنها محیط‌های تاریخی آسیب دیدند بلکه مضامین تاریخی - هنری بسیاری از یادمان‌ها نیز به‌طور مستقیم و یا بر اثر تغییر ویژگی محیط اطرافشان تغییر کرد (نراقی، ۱۳۹۷: ۷۹).

*دهه ۱۹۵۰ رویکرد بازسازی شهری

جنگ دوم جهانی نگرش‌های نوسازی شهری را متحول کرده بود، چراکه نقشه‌های بازسازی جزئی از تکاپوی جنگی به شمار می‌آمدند. بازسازی به‌مثابه مجاهده‌ای اخلاقی علیه غول‌های پنج‌گانه بیان شده توسط بدریچ در گزارش زمان جنگ خود تلقی می‌شد. این غول‌ها شامل بطالت، نیازمندی، نادانی، بی‌خانمانی و بیماری بود (رابرتز ماریون، ۱۳۸۱: ۳۵-۱۵).

میراث سال‌های جنگ جهانی دوم در اروپا، فسودگی و فروپاشی سازمان شهری بسیاری از شهرها در قاره اروپاست. با حجم وسیع تخریب و آوار ناشی از جنگ، نگرش به مرمت کالبدی و بازسازی شهری به‌عنوان اولویت اول در دستور کار قرار گرفت. ویرانی و تخریب گسترده ناشی از جنگ فرصت مناسب برای اجرای طرح‌های جاه‌طلبانه مرمت شهری را فراهم آورد. فرصتی که موجب شده بسیاری از مدرنیست‌ها آرمان‌ها و ایده‌های خود را در قالب این رویکرد اجرا کنند (حاجی پور، ۱۳۸۶: ۷).

روند بازسازی در مقیاس کلان تحت تأثیر آراء مدرنیست‌ها بخصوص پس از جنگ تشدید شد. نوگرایان احساس می‌کردند که شهرهای معاصر اساساً پاسخ‌گوی چالش‌های عصر مدرن نیستند. اهمیت مشکلات دلات بر این امر داشت که دگرگونی‌های بزرگی ضرورت دارد. مهم‌ترین بازتاب این ایده در بازسازی شهرهای منهدم شده در حملات هوایی پس از پایان جنگ در سال ۱۹۴۵ روی داد. فرانکو بیانچینی آغاز رویکرد بازسازی را آغاز دهه ۴۰ می‌داند و دهه ۴۰، ۵۰ و ۶۰ میلادی مقارن با سال‌های پس از جنگ جهانی دوم را تحت عنوان عصر بازسازی می‌نامد. عصری که در آن بحث محوری و غالب تأکید بر رشد اقتصادی برنامه‌ریزی رفاه، بازسازی کالبدی و نوسازی شهری بوده و عملکردگرایی در قالب قوانین منطقه بندی، جبریت تکنولوژی، اولویت به حرکت ماشین، طراحی شهر برای اتومبیل و تأکید و اجرای پروژه‌های ضربتی مسکن انبوه، برای پاسخ به بحران مسکن ناشی از جنگ، عمده‌ترین مشخصه‌های این نوع نگاه به مرمت شهری است. در واقع اندیشه منطقه بندی بر اساس کارکرد، تولید انبوه توسعه سیستم دسترسی و طرح‌های خیابان‌کشی متأثر از چیرگی اتومبیل مؤلفه‌های عمده برنامه‌ریزی و طرح‌های بازسازی جامعه در این دوران بودند (صحی زاده و ایزدی، ۱۳۸۳: ۳).

*دهه ۱۹۶۰، مرمت شهری با رویکرد باززنده سازی (تجدید حیات شهری)

از اوایل دهه ۶۰ میلادی، دلسردی نسبت به اقدامات بازسازی و پاک‌سازی طرح‌های توسعه مجدد آغاز گردید و خود زمینه‌ساز بروز واکنش‌های گسترده‌ای شد. از این رو در این دوران گسترده‌ها و مناطق تاریخی شهرها از ارزش‌گذاری مجدد و فراوانی برخوردار شدند. بسط قوانین و آیین‌نامه‌های حفاظت از آثار تاریخی منشورها و معاهدات و همکاری‌های بین‌المللی و ظهور گروه‌ها و نهادهای بانفوذ برای امر حفاظت همگی بر شروع تحولات جدیدی گواهی می‌دادند. روند پیش‌گفته‌ای که با شروع جنبش حفاظت مدرن و در اواخر قرن نوزدهم آغاز گشته

بود با تعمیم بیش حفاظت از بناهای منفرد به مجموعه‌ها، چشم‌اندازها و همچنین فضاهای بین بناها و فضاهای شهری تکامل می‌یابد و موجب ظهور موج دوم رویکرد به حفاظت می‌گردد. نکته قابل توجه دیگر در این روند، آغاز رویکرد به سوی استفاده مجدد از ابنیه و آثار تاریخی گرایش تجدید حیات کارکردی و باززنده سازی آنان است. اکنون با ملحوظ داشتن ارزش‌های فرهنگی - تاریخی، زیبایی‌شناسی، معماری و بافت شهری، ضرورت احیا عملکردی و توانمندسازی بافت نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. در این رویکرد ضمن توجه به نوسازی و ارتقا وضعیت کالبدی محلات، احیا اقتصادی و اجتماعی محلات مورد توجه و تأکید جدی قرار می‌گیرد. به عبارتی، در این دوره مرمت شهری، بیش از آنکه بازسازی و مرمت کالبدی را مدنظر داشته باشد به جنبه‌های اقتصادی - اجتماعی و توان بخشی خانوارهای کم درآمد شهری توجه دارد و موج اول اصالت بخشی به محلات شهری نیز در این مرحله اتفاق می‌افتد. با وجود این، رویکرد توان بخشی و تجدید حیات شهری در این دهه، به هیچ وجه توفیق تبدیل شده به یک رویکرد مسلط و غالب را نیافت (حاجی پور، ۱۳۸۶: ۱۹).

* دهه ۱۹۷۰، مرمت شهری با نگرش نوسازی شهری

روند گسترش تفکر حفاظت در دهه ۱۹۷۰ میلادی، همچنان با توسعه قوانین، نهادها و مؤسسات مسئول، به ویژه با روند تمرکززدایی و واگذاری قدرت بیشتر به دولت‌های محلی مورد پیگیری قرار می‌گرفت. هم‌زمان با اقدامات حفاظت در این دو دهه، برنامه‌های توسعه شهری کماکان در چارچوب طرح‌های نوسازی شهری تداوم داشت. روند رو به افزایش مسائل شهری و افول کیفیت در مناطق مرکزی شهرها، سیاست‌گذاران شهری را وامی داشت تا برنامه‌های نوسازی و طرح‌های کالبدی از یک سو و طرح‌های توانمندسازی و باززنده سازی از سوی دیگر به دنبال پاسخی برای این مسائل برآیند.

در مواجهه با مسائل اقتصادی و ناهنجاری‌های اجتماعی بافت‌های شهری، برنامه‌های توانمندسازی تمرکز فعالیت‌های خود را بر محور رفع محرومیت‌های اجتماعی استوار گردانده و با پیگیری پروژه‌های توسعه گروه‌های اجتماعی و توجه به رویکرد آسیب‌شناسی اجتماعی تلاش نمودند تا از طریق توجه به ارزش‌ها و نفع اجتماعی انگیزه‌های ساکنان را برای تداوم زندگی در این مناطق افزایش دهند. رویکرد دیگر در فرایند نوسازی بر بعد فعالیت اقتصادی از طرق تغییر کاربری یا ایجاد فعالیت‌های جایگزین به شکل بازسازی کارکردی با تنوع بخشی کارکردی تأکید می‌ورزد. این روند در مواردی که بر حفظ کاربری‌های موجود ولی با کارآمدی و سوددهی بیشتر تأکید داشت به عنوان بازآفرینی کارکردی مورد عمل قرار می‌گرفت (صحی زاده و ایزدی، ۱۳۸۳: ۱۵).

* دهه ۱۹۸۰، مرمت شهری با نگرش توسعه مجدد یا بازآفرینی اقتصادمدار

در یک نگاه اجمالی به رویدادهای دهه ۱۹۸۰ می‌توان گفت که سیاست‌های نوآورانه دهه ۱۹۷۰ در دهه ۱۹۸۰ نیز تداوم داشت. هرچند اصلاحات اساسی بعداً صورت گرفت. در طول دهه ۸۰ میلادی، جریانی با جهت‌گیری دور شدن از این ایده که دولت مرکزی باید یا می‌تواند همه منابع مورد نیاز را جهت پشتیبانی از سیاست مداخله فراهم کند، صورت گرفت. این رویکرد جدید با تأکید بیشتر بر نقش مشارکت همراه شد (Roberts, 2000: 19). در واقع در

دهه ۱۹۸۰ سیاست بهسازی و بازآفرینی با نئولیبرالیسم همراه شد. از جمله نقش نداشتن دولت‌های محلی در اداره امور شهرها را می‌توان ذکر کرد (McDonald, 2009: 52).

در دهه ۱۹۸۰، نگرش اقتصادی به بافت‌ها و محلات فرسوده و روبه‌زوال شهری در کانون توجه سیاست شهری قرار دارد که از طریق توسعه‌های مجدد شهری کماکان نگاه بازسازی و مداخلات کالبدی را مدنظر دارد، اما توجه به مکانیزم‌های اجرایی و مالی نوسازی چارچوب‌های حقوقی - قانونی و نگاه درآمدزایی به امر مرمت شهری از ویژگی‌های این نگرش مرمت است. توسعه مجدد آمیخته‌ای از نگاه بازسازی، بهسازی و بازآفرینی در مرمت شهری است. مقوله مشارکت و دخالت همه گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ در این رویکرد، امری مهم قلمداد می‌شود (حاجی پور، ۱۳۸۶: ۱۸).

تجدید ساختار اقتصاد ناشی از تغییرات اقتصاد جهانی در دهه ۸۰ میلادی با انتقال فعالیت‌های صنعتی به بخش خدمات، موجب تحولات شگرفی در فرایند اقدامات توسعه و نوسازی شهری گشت. این تجدید ساختار تولید، نواحی بسیاری را که در داخل شهرها قبلاً به فعالیت‌های صنعتی مشغول بودند، رها شده باقی گذاشت. مناطقی همچون کارخانه‌های صنایع سنگین، کارگاه‌ها و باراندازها که از سرچشمه اصلی اشتغال محروم شده بودند، به بستر جدیدی برای بروز مسائل شهری تبدیل گشتند و بازسازی مناطق قدیمی به کانون فعالیت‌های بازآفرینی شهری تبدیل شد. برای مقابله با این معضلات شهری و در تداوم تحولات جنبش توسعه و نوسازی، رویکردی جدید شکل می‌گیرد که از این‌پس در ادبیات توسعه شهری با واژه بازآفرینی همراه می‌گردد (صحی زاده و ایزدی، ۱۳۸۳: ۸).

* دهه ۱۹۹۰، نگاه بازآفرینی شهری

در دهه ۱۹۹۰، مرمت شهری با نگرش بازآفرینی در دستور کار قرار گرفت. نوعی رویکرد مداخله‌ای که با نگاه به گذشته و بدون پاک‌سازی هویت‌های تاریخی دوره‌های مختلف، به خلق هویتی جدید متناسب با شرایط زندگی مردمان عصر حاضر می‌اندیشید. به این ترتیب سیاست بازآفرینی در کشورهای غربی شکل گرفت و در دهه ۹۰ میلادی سیاست جدید تحت عنوان چالش شهرها به وجود آمد. به گونه‌ای که اقدامات نوسازی با گرایش صرف کالبدی مورد انتقاد دولت‌های محلی قرار گرفت. بر این اساس از دولت‌های محلی خواسته شد تا با مشارکت بخش خصوصی بخش دولتی و داوطلبان پیشنهادهایی برای انجام پروژه‌های بازآفرینی در ناحیه خود به دولت مرکزی ارائه دهند (کلانتری، ۱۳۸۴: ۷۵). سیاست چالش شهرها، توجه به مسائل گروه‌های اجتماعی درون شهرها را مستقیماً مورد تأیید قرار داد.

نظر به رویکردهای اجتماع مدار دهه‌های ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰ از طریق تأکید بر مشارکت این گروه‌ها و ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با آنان در سال ۱۹۹۴ دولت با ارائه سیاستی تکمیلی تحت عنوان بودجه برای بازآفرینی به یکپارچه‌سازی منابع مالی جهت این‌گونه اقدامات گرایش پیدا کرد (Izadi, 2006: 19).

درواقع از دهه ۱۹۹۰ به بعد، چارچوبی جدید برای فرایند تجدید حیات شهری فراهم شد که بر اساس آن و در تعریفی جدید، مرمت شهری مفهومی جامع است که به معنای بهبود وضعیت نواحی محروم در جنبه‌های اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و فرهنگی است. نکته دیگر اینکه مرمت در این دیدگاه توجه و تأکید خاصی بر مقیاس محلی تنوع فرهنگی و کنش متقابل میان انسان و مکان زندگی او دارد (حاجی پور، ۱۳۸۶: ۱۸).

*هزاره سوم، مرمت شهری با رویکرد نوزایی شهری

همزیستی و هم‌نشینی مسالمت‌آمیز سبک‌ها و فرهنگ‌ها، آخرین مرحله تحول و دگرگونی در مفهوم مرمت با آغاز هزاره سوم و ورد به قرن ۲۱ است که تعریفی جدید از بازآفرینی و نوزایی شهری است. در این تعریف، ابعاد فرهنگی و هنری به وجه غالب تبدیل شده و تئوری‌های مختلف سعی در توجیه توجه به مقوله‌های هنری و فرهنگی در خلق و ایجاد محیط‌های سرزنده و پویای شهری دارند و به نظر می‌رسد که با آغاز این دوره نقش و عملکرد شهرها با تغییری بنیادین روبه‌رو شده است.

در نوزایی شهری، توجه به ابعاد فرهنگی و هنری و اصالت بخشی به محلات شهری از طریق آن به‌عنوان یک ابزار اساسی در کانون سیاست عمومی برای تجدید حیات اقتصادی و کالبدی محلات و بافت‌های روبه‌زوال شهری در سال‌های آغازین قرن بیست و یکم تبدیل شده است. ایده نوزایی شهری، مبنا قرار دادن طراحی را شرط لازم برای موفقیت برنامه‌های بازآفرینی شهری می‌داند و معتقد است ترویج سبک زندگی پایدار و شامل نمودن همه گروه‌های اجتماعی در شهر و فعالیت‌های آن با طراحی محیط فیزیکی در ارتباط است. با تأکید بر این موضوع که طراحی باید با سرمایه‌گذاری بر بهداشت، آموزش، خدمات اجتماعی، امنیت جامعه و اشتغال همراه باشد تا به شرط کافی برای موفقیت برنامه‌های بازآفرینی بدل گردد.

*بازآفرینی، رویکرد متأخر مرمت و بهسازی

بازآفرینی شهری به دنبال حل مشکلات فرسودگی شهری که از طریق بهسازی مناطق محروم و در حال اضمحلال در شهرهاست. این رویکرد تنها به دنبال باززنده سازی مناطق متروکه نیست، بلکه با مباحث گسترده‌تری همچون اقتصاد رقابتی و کیفیت زندگی به‌خصوص برای کسانی که در محلات فقیرنشین زندگی می‌کنند، سروکار دارد. به‌صورت ایده‌آل، بازآفرینی شهری مشتمل بر فرموله کردن اهداف سیاسی، اجرای آن از طریق برنامه‌های اجرایی و بازنمایی مداوم عملکرد است.

توضیح اینکه این رویکرد مفهوم جامعی است که به معنای بهبود وضعیت نواحی محروم در جنبه‌های اقتصادی، کالبدی اجتماعی و فرهنگی است. این نوع نگاه به مرمت پاسخی در مقابل چالش‌های نوظهوری چون جهانی شدن، تغییرات ساختاری و عدم تعادل‌های فضایی ناشی از رشد گسترده شهرها است. معاصر سازی تأکیدی خاص بر مقیاس محلی، تنوع فرهنگی و کنش متقابل میان انسان و مکان زندگی او دارد. در تعریف کاربردی از بازآفرینی شهری، شناخت و بررسی روابط میان ویژگی‌ها کالبدی و واکنش‌های اجتماعی، ضرورت جابجایی کالبدی برخی عناصر شهری مهم، اهمیت بهبود وضعیت اقتصادی به‌عنوان پایه و اساس رفاه زندگی شهری و کیفیت آن، ضرورت استفاده بهینه از زمین‌های شهری و ممانعت از توسعه بی‌رویه شهرها، و اهمیت شناسایی بازتاب سیاست‌های شهری انجمن‌های اجتماعی غالب و نیروهای سیاسی و موضوع جدید به نام توسعه پایدار باید مورد بررسی و شناخت قرار گیرند. بنابراین بازآفرینی شهری عبارت است از دید جامع و یکپارچه و مجموعه اقداماتی که به حل مسائل شهری منجر شود، به‌طوری‌که بهبود دائمی در شرایط اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و زیست‌محیطی ناحیه‌ای که دستخوش تغییر شده، را فراهم می‌کند (Roberts, 2000: 17).

بازآفرینی را می‌توان اصلی‌ترین رویکرد مرمت و بهسازی و نوسازی شهری در دوران معاصر تلقی نمود. این رویکرد با توجه با ابعاد و اصول بازآفرینی شهری و به گواه رویدادهای سال‌های اخیر، چند راهبرد اصلی را در دستور کار خود داشته است.

پیشینه موضوع در ایران

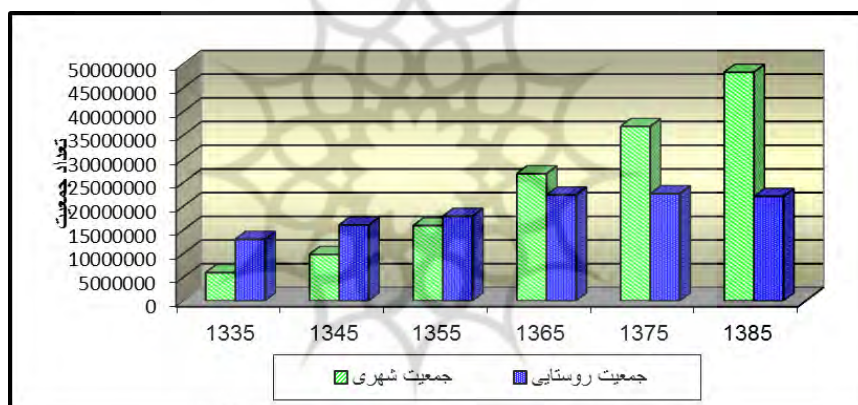
در ایران پیشینه موضوع به سال‌های ۱۳۳۲ با شروع اولین دگرگونی‌های اقتصادی و سیاسی و هم‌زمان با پیوستن ایران به بازار جهانی کار و تقسیم نوین جهانی و نقش جدید اقتصادی کشور صورت گرفت که خود موجبات ناهمگون توسعه شهری و مهاجرت بی‌رویه به شهرها را رقم می‌زد. اوج توسعه سکونتگاه‌های غیررسمی و حاشیه‌نشینی به سال‌های ۱۳۴۱ با اصلاحات ارضی و هجوم روستائیان به شهرها و اسکان آن‌ها در حاشیه شهرهای بزرگ اتفاق افتاد که این امر موجب گردید در برنامه‌های توسعه کشور به موضوع تأمین مسکن و ساماندهی سکونتگاه‌ها از سوی دولت توجه شود و هم‌زمان توسط مراکز علمی و دانشگاهی و تحقیقاتی، مقالات و کتاب در موضوعات مشابه به چاپ رسید. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و با تغییر ساختار اقتصادی و فرهنگی، اجتماعی کشور از یکسو و جنگ تحمیلی از سوی دیگر و مهاجرت بی‌رویه به شهرها و توسعه حاشیه‌نشینی به صورت گسترده در اکثر شهرها، علیرغم تدوین برنامه‌های تأمین مسکن در قالب برنامه‌های پنج‌ساله، توسعه تشدید گردید. از همین رو، جهت تجدید حیات شهری و نیل به توسعه پایدار، در سال ۱۳۷۶ شرکت عمران و بهسازی شهری ایران با مأموریت و رسالت ساماندهی این بافت‌ها تأسیس تا با هماهنگی سایر دستگاه‌های اجرایی و مراکز دانشگاهی و علمی به صورت ویژه به موضوع پردازند که مهم‌ترین خروجی در سال ۱۳۸۳ تدوین و تصویب سند توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی می‌باشد که تاکنون با برگزاری گردهمائی‌ها و هم‌اندیشی‌ها و اجرای پروژه‌های محرک توسعه در شهرهای سنندج، کرمانشاه، تبریز، زاهدان، بندرعباس تجربه‌گران‌قدری در ایران فراهم گردید.

در ایران نیز مطالعات و پژوهش‌های متعددی پیرامون سکونتگاه‌های غیررسمی صورت گرفت است که به بررسی ویژگی‌های سکونتگاه‌ها از جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی پرداخته‌اند. پیران در مجموع مقالاتی که در مجله سیاسی اقتصادی در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ به چاپ رساند به روشنی به واکاوی و بررسی وضعیت سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران می‌پردازد. وی در چند مقاله به بررسی دیدگاه‌های جامعه‌شناسی در ارتباط با شهر و شهرنشینی می‌پردازد و در آن‌ها دیدگاه‌های جامعه‌شناسان در ارتباط با سکونتگاه‌های غیررسمی را بیان می‌کند. همچنین در چند مقاله دیگر با عنوان شهرنشینی شتابان و ناهمگون (مسکن نابهنجار)، به طور کامل وضعیت مسکونی در این سکونتگاه‌ها را به تصویر می‌کشد و در سال‌های اخیر با بیان وضعی جدید در سکونتگاه‌های ایران، روند نوپدید اسکان یابی در سکونتگاه‌های غیررسمی ایران را متذکر می‌شود. صرافی در پژوهش‌های متعدد ابتدا به بررسی و تعریف فقر شهری می‌پردازد و فقر را معضلی فراتر از فقر شهری می‌داند. وی سکونتگاه‌های غیررسمی را به عنوان واقعیتی اساسی و قابل ساماندهی در شهرها مطرح می‌کند (ایراندوست و همکاران، 1393). «ایراندوست و صرافی»، (۱۳۸۶)، در مقاله‌ای با عنوان «یاس و امید در سکونتگاه‌های غیررسمی» به وضعیت سکونتگاه‌های غیررسمی شهر کرمانشاه پرداخته‌اند و در این راستا شاخص‌هایی از هر محل به منصفه ظهور گذشته است.

توصیف جغرافیای انسانی

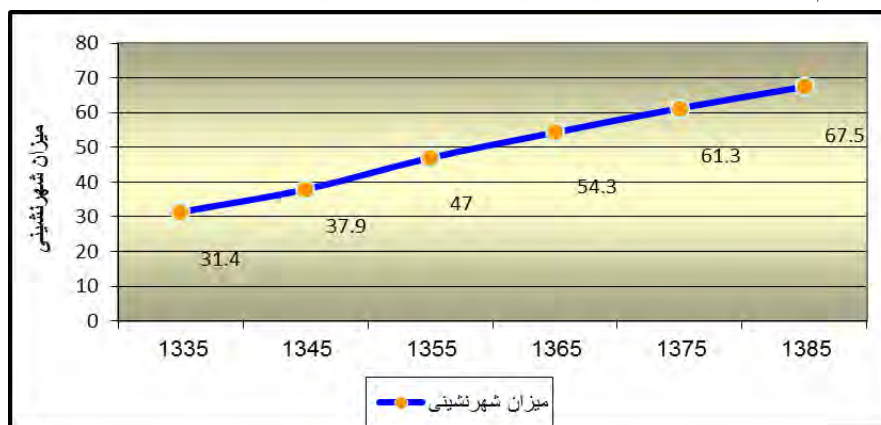
بنا به گفته باریر تا قبل از ۱۳۳۵ توسعه شهرنشینی در ایران روند متعادلی داشت. در آغاز قرن بیستم (۱۲۷۹ هجری شمسی) ایران در حدود ۹ میلیون و ۸۶ هزار نفر جمعیت داشت که ۲۱ درصد آن در ۹۹ شهر زندگی می‌کردند و بیش از ۷۹ درصد از جمعیت کشور در جوامع روستایی یا کوچنده زندگی می‌کردند (نوذری، ۱۳۸۵: ۶۰).

در اولین سرشماری نفوس و مسکن کشور در سال ۱۳۳۵ جمعیت شهرنشین کشور حدود ۵ میلیون و ۹۹۷ نفر بوده است که در ۱۹۹ شهر ساکن بوده‌اند و ۳۱,۴ درصد از کل جمعیت کشور را شامل می‌شدند. این در حالی است که نسبت جمعیت شهری در نیم‌قرن بعد، یعنی در سال ۱۳۸۵ به حدود ۶۸,۴ درصد افزایش یافته و تعداد نقاط شهری از مرز هزار نفر نیز عبور نمود. در این میان، رشد شهرنشینی در ایران مانند سایر کشورهای در حال توسعه از تعادل و توازن برخوردار نبوده و سهم شهرهای عمده و در رأس آن‌ها تهران، بیشتر از سایر نقاط بوده است (مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۸۵). با توجه به نمودار شماره ۱ می‌توان روند و سرعت افزایش تعداد سکونتگاه‌های شهری، تعداد و همین‌طور درصد شهرنشینی در کشور را طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ به خوبی درک نمود.



نمودار شماره ۱: روند رشد جمعیت شهری و روستایی از ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ منبع: نتایج سرشماری نفوس و مسکن

با توجه به نمودار شماره ۲ می‌توان سرعت و روند شهرنشینی کشور را در مدت نیم‌قرن مشاهده کرد. بر این اساس، تعداد و نسبت جمعیت شهرنشین کشور همواره در حال افزایش بوده و روندهای جمعیتی به ضرر درصد و تعداد روستائیان کشور تمام شده است.



نمودار شماره ۲- روند رشد جمعیت شهری و روستایی از ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ منبع: بررسی و تجزیه و تحلیل محقق

در بررسی و ریشه‌یابی موضوع، وقتی که به آمار و ارقام رجوع می‌کنیم به دو دوره متمایز برمی‌خوریم. دوره اول که از دهه ۱۳۰۰ شروع می‌شود تا اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ و دوره دوم که از اواخر این برهه، شروع و هم‌اکنون نیز ادامه می‌یابد. لذا می‌توان اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ را به‌عنوان نقطه عطفی در روند شهرنشینی ایران دانست (حسامیان و دیگران، ۱۳۷۷: ۲۱). پس از اصلاحات ارضی و از سویی به دنبال بالا رفتن قیمت نفت در اواخر دهه ۱۳۴۰ و اوایل دهه ۱۳۵۰، در شهرها دگرگونی‌های وسیع و سریعی روی داد که در واقع، حاصل گسترش مناسبات سرمایه‌داری و ادغام ایران در بازار جهانی بود (همان؛ ص ۹۵). در واقع اگرچه برنامه اصلاحات ارضی، محیط‌های روستایی را مورد هدف خود قرار داد ولی در عمل، سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی، صنعتی، زیربنایی و خدمات اجتماعی در شهرها بسط یافت و به‌تدریج شهرهای بزرگ به مراکز اصلی اشتغال و تمرکز سرمایه و امکانات و تسهیلات عمومی تبدیل شدند. در این دوران، با رکود اقتصاد روستایی و کم‌زمین یا بی‌زمین شدن تعداد زیادی از کشاورزان روستایی از یک‌سو و از جانب دیگر، رشد همه‌جانبه زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهری، روند مهاجرت نیروی کار از روستا به شهرها به‌ویژه پایتخت و چند شهر بزرگ شدت یافت. روستاییان تهیدست از روستاها به شهرها که مراکز تولید و خدمات بودند سرازیر شدند و به‌تدریج عرضه نیروی کار از تقاضای آن پیشی گرفت. از سال‌های ۴۵-۱۳۴۰ به بعد، این مهاجران در محدوده شهرها، در اراضی بایر و غصبی و با مواد و مصالح خاص از قبیل حلبی، حصیر، لاستیک فرسوده، خشت و گل با همیاری یکدیگر سکونتگاه‌های غیربهداشتی و فاقد خدمات و تسهیلات زیربنایی و رفاهی برپا کرده و در آلونک‌های کثیف و ناسالم زندگی نمودند (حاج یوسفی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۰).

درواقع مجموعه شرایط فوق را می‌توان در این قالب توضیح داد که در اثر نفوذ سرمایه‌داری و تحت آنچه توسعه برون‌زا می‌خوانیم، دوقطبی شدن جامعه باعث شد که بخش زیادی از گروه‌های اجتماعی کم‌درآمد، شرایط اقتصادی تهیه مسکن از بازار رسمی را نداشته باشند. در این میان، وضع قوانین و مقررات محدودکننده شهری و ناتوانی نظام سیاست‌گذاری مسکن در تأمین مسکن گروه‌های کم‌درآمد، زمینه‌های گرایش به بازار غیررسمی را با تمام جنبه‌ها و عواقب منفی آن فراهم نمود. با بسط نظام سرمایه‌داری و ادغام جامعه ایران در این نظام جهانی، شهرها تبدیل به نقاط ثقل تولید، توزیع، مصرف و سرمایه تبدیل گشت و در حقیقت، شهرها به‌مثابه گره‌گاه‌های اقتصادی، با رشد فزاینده بخش صنعت و خدمات، زمینه‌های تمرکز جمعیت را هرچه بیشتر به وجود آوردند (ایراندوست، ۱۳۸۶: ۹۴-۹۳).

با شروع توسعه برون‌زای کشور، نوعی تمرکز فضایی در شهرهای بزرگ و نیز مراکز اداری کشور شکل گرفت و به دنبال آن، مبادله بین شهر و روستا و شهرهای بزرگ و کوچک، به زیان شهرهای کوچک و روستاها تمام گشت (پیران، ۱۳۶۷: ۵۷). به عبارتی، توسعه سرمایه‌داری در کشور ما همچون بسیاری از کشورهای در حال توسعه، تسلط شهرنشینی به‌مثابه الگوی برتر را در مقابل الگوی زندگی روستایی و عشایری به همراه داشت که بر اساس آن، پیوستن ایران به اقتصاد جهانی و قرارگیری در تقسیم‌کار جهانی و شکل‌گیری صنعت کارخانه‌ای به ایجاد یک نظام طبقاتی اجتماعی جدید منتهی شد. از ویژگی‌های این نظام، جدایی‌گزینی و به حاشیه رانده شدن برخی گروه‌های

اجتماعی بود و چنین امری زمینه تاریخی بسیاری از جدایی‌گزینی‌ها و تشکیل سکونتگاه‌های غیررسمی را توجیه می‌کند.

اگرچه سابقه شکل‌گیری سکونتگاه‌های فقیرنشین در شهرهای بزرگ ایران به پیش از دوران پهلوی بازمی‌گردد، به‌گونه‌ای که عبدالغفار در ۱۲۴۶ هـ ق از ده درصد جمعیت تهران سخن به میان می‌آورد که زندگی‌شان با استانداردهای متعارف زندگی متفاوت بوده است (خاتم، ۱۳۸۲ ج: ۲) ولی نخستین زاغه‌ها به مفهوم امروزی در سال‌های ۱۳۲۵-۱۳۲۰ در ویرانه‌های آجرپزی جنوب تهران پای گرفت (حاج‌یوسفی، ۱۳۸۱: ۱۵).

از دهه ۱۳۲۰ با شروع کار برنامه‌ریزی شهری در کشور، نظام محله‌ای سابق، جای خود را به یک الگوی طراحی شده منطقه‌ای داد که بر جداسازی طبقاتی متکی بود و ادامه چنین فرایندی در دوره‌های بعدی به شکل‌گیری اجتماعات مجزای تهی‌دستان منجر شد (بیات، ۱۳۷۹: ۵۷). به بیانی دیگر آنچه می‌توان بر وی نام برنامه‌ریزی شهری جداکننده نهاد، از اوائل حکومت پهلوی دوم، آثار خود را به‌طور مضاعف نشان داد و بازتاب فضایی آن به‌صورت جدایی-گزینی‌های سکونتی پدیدار شد. از نتایج این تحولات، پیدایش دوگانگی شهری بود و اینکه همزیستی دسته‌جمعی که باوجود اختلافات طبقاتی، پیوسته در شهرهای ایران رواج داشت، شاید برای همیشه از میان برداشته شد (همایون کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۲۵۴).

در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ در نتیجه سیاست‌ها و خط‌مشی‌های نادرست دولت و تمرکز همه‌جانبه در شهرها، مهاجرت از محیط‌های روستایی به شهرها به‌صورت قابل‌توجهی بروز می‌کند به‌گونه‌ای که تا اواسط دهه ۵۰، تنها در تهران حدود ۵۰ محله فقیرنشین و حاشیه‌نشین وجود داشت (بیات، ۱۳۷۹: ۵۵) و در ابتدای انقلاب حداقل یک‌میلیون تهیدست در این محلات فقیرنشین تهران سکونت داشتند که ارزیابی‌ها حاکی از آن است که حدود ۴۰۰ هزار نفر از آنان در سکونتگاه‌های غیررسمی می‌زیستند (همان: ۶۹). در این دوران، طیف متنوعی از مسکن نابهنجار از جمله آلونک، زاغه، کپر، چادر، اتاق، قمیر، زیرزمین، مقبره، گرگینی، دیواره کپری و پاشلی در اطراف شهرهای عمده کشور برپا شد (پیران، ۱۳۶۶ ب: ۳۳).

روند تغییرات ساختاری و بنیادی بعد از انقلاب نیز منجر به افزایش جمعیت شهرها و به‌تبع آن جمعیت مناطق حاشیه‌نشین به‌ویژه در کلان‌شهرهای کشور گردید (پاپلی یزدی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال شانزدهم، شماره ۱، ص ۱۴). حاشیه‌نشینان شهری در ایران، پس از سپری شدن دوره کامیابی در پیشروی آرام به‌سوی شهر که تا اواخر دهه ۱۳۶۰ ادامه داشت به مرحله جدیدی از حیات اجتماعی خود گام نهاده‌اند که می‌توان آن را دوره گذار به شهرنشینی و ایجاد توقع دستیابی به امکانات و ضروریات مادی زندگی شهری دانست (خاتم، ۱۳۸۱: ۳۹).

در فاصله سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ تحولات مهمی در سکونتگاه‌های غیررسمی رخ داده است. یکی از مهم‌ترین اتفاقات دهه یادشده، افزایش خانوارهایی است که از سکونتگاه‌های رسمی درون شهرهای بزرگ و بخصوص تهران به سکونتگاه‌های غیررسمی و یا اجتماعات آلونکی نقل‌مکان نمودند. مهم‌ترین دلیل این امر مشکلات اقتصادی خانوارهای شهری از یک‌سو و تمایل برخی دیگر از شهرنشینان برای به دست آوردن مبالغی به‌منظور سرمایه‌گذاری و کسب درآمد برای هزینه کردن ماهیانه است. یعنی گروه‌های موردنظر برای حذف هزینه مسکن رسمی (اجاره‌بها) ترجیح می‌دهند از مناطق رسمی درون‌شهری به اجتماعات آلونکی روی آورند (پیران، پرویز، ۱۳۸۲: ۳۴).

سکه روانی در سال ۱۳۸۴ نوشته بود: «اگرچه آمار دقیقی از حاشیه‌نشینی در ایران وجود ندارد اما برآوردی که دفتر ساماندهی اسکان غیررسمی وابسته به سازمان عمران و بهسازی وزارت مسکن و شهرسازی انجام داده است حکایت از این دارد که حداقل ۶ میلیون نفر از جمعیت شهری کشور در سکونتگاه‌های غیررسمی ساکن می‌باشند و در صورت ادامه روند موجود در دهه آینده تعداد آن‌ها به بیش از دو برابر خواهد رسید» (سکه‌روانی، ۱۳۸۴، ص ۴۸).

یک دهه بعد، در سال ۱۳۹۵ ف معاون وزیر راه و شهرسازی بیان می‌کند که سکونتگاه‌های غیررسمی در ۹۱ شهر کشور شناسایی شده که در این مناطق ۱۱ میلیون نفر سکونت دارند و زندگی می‌کنند^۱ (تسنیم، ۱۲ دی‌ماه ۱۳۹۵).

حسین ایمانی جاجرمی رئیس موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران در سال ۱۳۹۴ بیان می‌کند متأسفانه این پدیده آن‌چنان‌که شرکت عمران و بهسازی شهری وزارت راه و شهرسازی به‌عنوان متولی رسمی این مسئله بیان می‌کند، نه تنها حل نشده بلکه به‌نوعی تشدید نیز شده است. چنانکه اگر در ابتدای دهه ۸۰، ۷ میلیون نفر در مناطق حاشیه‌ای کشور زندگی می‌کنند در حال حاضر این رقم به ۱۵ میلیون نفر رسیده است^۲ (سلامت نیوز، ۲۴ فروردین ۱۳۹۴).

رئیس کانون انبوه‌سازان مسکن در سال ۱۳۹۶ در زمانی که طرح جامع مسکن تدوین می‌شد ۴ میلیون نفر در سکونتگاه‌های غیررسمی زندگی می‌کردند اما این عدد در حال حاضر به شش میلیون نفر افزایش یافته است. به گفته وی، بر اساس آمارها، ۱۱ تا ۱۴ میلیون نفر حاشیه‌نشین هستند و ۹ تا ۱۰ میلیون نفر در بافت‌های فرسوده هستند^۳ (واضح، ۱۷ آذر ۱۳۹۶).

بسیاری گمان می‌کنند که اکثر حاشیه‌نشین‌ها از سمت روستاها به مناطق حاشیه شهرها آمده‌اند، درحالی‌که فقر شهری امروزه یکی از مهم‌ترین دلایل مهاجرت افراد از داخل شهر به حاشیه شهر به شمار می‌آید. درآمد بسیاری از افراد که مجبور به مهاجرت به حاشیه شهرها می‌شوند در اغلب موارد در طول افزایش هزینه مسکن یا ثابت مانده و یا پایین‌تر از حد معمول شده است، به‌طوری‌که افراد توانایی تهیه مسکن در داخل شهر را نداشته باشند. توجه به معاش بافت‌های شهری امروزه یکی از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند از مهاجرت ساکنین شهرها به مناطق حاشیه جلوگیری کند. امروزه حدود بیش از ۱۲ میلیون نفر از افراد کشور در مناطق حاشیه شهرها زندگی می‌کنند. علاوه بر جمعیت ۱۲ میلیونی حاشیه‌نشین در کشور حدود بیش از ۸ میلیون نفر از افراد کشور در بافت‌های ناکارآمد شهری ساکن هستند، به‌طوری‌که یک‌چهارم جمعیت کشور در بافت‌های ناکارآمد کشور زندگی می‌کنند^۴.

1. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/10/12/1284649/11->

%D9%85%DB%8C%D9%84%DB%8C%D9%88%D9%86-%D9%86%D9%81%D8%B1-%D8%AF%D8%B1-%D8%B3%DA%A9%D9%88%D9%86%D8%AA-%DA%AF%D8%A7%D9%87-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%BA%DB%8C%D8%B1-%D8%B1%D8%B3%D9%85%DB%8C-%D8%B2%D9%86%D8%AF%DA%AF%DB%8C-%D9%85%DB%8C-%DA%A9%D9%86%D9%86%D8%AF

2. <http://www.salamatnews.com/news/144140/%DB%B1%DB%B5->

%D9%85%DB%8C%D9%84%DB%8C%D9%88%D9%86-%D9%86%D9%81%D8%B1-%D8%AD%D8%A7%D8%B4%DB%8C%D9%87-%D9%86%D8%B4%DB%8C%D9%86-%D8%AF%D8%B1-%DA%A9%D8%B4%D9%88%D8%B1

3. <http://vazeh.com/n15945891/6-%D9%85%DB%8C%D9%84%DB%8C%D9%88%D9%86-%D9%86%D9%81%D8%B1-%D8%AF%D8%B1->

%D8%B3%DA%A9%D9%88%D9%86%D8%AA%E2%80%8C%DA%AF%D8%A7%D9%87%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%BA%DB%8C%D8%B1-%D8%B1%D8%B3%D9%85%DB%8C-%D8%B2%D9%86%D8%AF%DA%AF%DB%8C-

%D9%85%DB%8C%E2%80%8C%DA%A9%D9%86%D9%86%D8%AF

4. <https://tejaratnews.com/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D9%86%D8%AA-%DB%8C%DA%A9-%DA%86%D9%87%D8%A7%D8%B1%D9%85-%D8%AC%D9%85%D8%B9%DB%8C%D8%AA->

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

-تجزیه و تحلیل و نتایج مطالعه اسنادی

پس از بررسی بالغ بر ۵۰ سند علمی، پژوهشی و گزارش‌ها و سندهای رسمی منتظر شده از سوی نهادها و سازمانهای متولی امر بهسازی، نوسازی، بازسازی و بازآفرینی شهری و سیر هدفمند در مطالعات انجام شده پیشین در کشور در زمینه بازآفرینی پایدار، نکات قابل توجهی استخراج گردیده است که به‌طور خلاصه عبارت‌اند از:

-از ابتدای دهه ۹۰، رویکرد فرهنگی به بازآفرینی به‌طورجدی در کشور مطرح می‌شود که پژوهش «بازآفرینی شهری فرهنگ مبنا؛ تأملی بر بن‌مایه‌های فرهنگی و گُنش بازآفرینی» (لطفی، ۱۳۹۰) نمونه آن است. همچنین نوشتاری با عنوان «روندهای جدید در فرایندهای بازآفرینی شهری: سرمایه فرهنگی به‌عنوان منبع انباشت سرمایه انسانی و اجتماعی؛ شواهدی از نمونه موردی «توهو» در مونترآل نوشته جورجو تاوانوبلسی، دایان گابریله ترمبلی، مارکو ساندری، توماس پیلاتی؛» توسط مهدی عباس زاده (۱۳۹۱) ترجمه می‌شود. همچنان که پژوهش «بازآفرینی فرهنگی اجتماعی فضاها شهری با هدف ارتقاء هویت محله‌ای؛ مطالعه موردی: محله سنگ شیر همدان» (نادریان، ۱۳۹۶) و «تبیین و ارائه الگوی بازآفرینی شهری فرهنگ محور با تأکید بر رویکرد نهادی» (ایزدی و همکاران، ۱۳۹۶) به این مهم اختصاص می‌یابد.

-گردشگری به‌عنوان یک رویکرد کارآمد در بازآفرینی مطرح می‌گردد. نوشته علمی با عنوان «بازآفرینی شهری با رویکرد گردشگری شهری؛ نمونه موردی محدوده ورودی بازار بزرگ تبریز» (افخمی، فاطمه، ۱۳۹۲) نمونه بارز آن به شمار می‌آید.

-در همین دهه، «چارچوب جامع بازآفرینی شهری پایدار» توسط وزارت راه و شهرسازی؛ شرکت عمران و بهسازی شهری (مادر تخصصی)؛ در ویرایش اول در مرداد ۱۳۹۳ منتشر می‌گردد و نیز «شیوه‌نامه تعیین محله‌ها و محدوده‌های هدف بازآفرینی شهری و راهکارهای اجرایی آن توسط تهران» توسط وزارت راه و شهرسازی؛ شرکت عمران و بهسازی شهری (مادر تخصصی) در سال ۱۳۹۳ تهیه و ابلاغ می‌گردد.

-موضوع ظرفیت‌سازی در بازآفرینی مطرح می‌شود. سند علمی «بررسی نقش ظرفیت‌سازی در بازآفرینی شهری پایدار» (حجیم، ۱۳۹۳) و «نقش ظرفیت‌تشکل‌های مردم‌نهاد در بازآفرینی پایدار بافت‌های ناکارآمد شهری» (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۴) از نمونه اسناد علمی و پژوهشی در این باره به شمار می‌آیند.

-تلفیق الگوی توسعه پایدار با بازآفرینی شهری، موضوعی است که موردتوجه صاحب‌نظران و پژوهشگران داخلی قرار می‌گیرد. نمود آن‌را در پژوهشی با عنوان «کاربرد الگوهای توسعه پایدار در بازآفرینی منظر شهری (نمونه موردی: شهر ایوان)» (خورانی و شوهانی، ۱۳۹۴) می‌توان شاهد بود.

%DA%A9D8%B4D9%88D8%B1-%D8%AF%D8%B1-

%D8%A8%D8%A7D9%81%D8%AA%E2%80%8CD9%87%D8%A7DB%8C

1. Giorgio Tavano Blessi, Diane-Gabrielle Tremblay d, Marco Sandri, Thomas Pilati, Elsevier (2012), New trajectories in urban regeneration processes: Cultural capital as source of human and social capital accumulation – Evidence from the case of Tohu in Montreal.

-مجموعه قوانین و مقررات بازآفرینی شهری پایدار؛ قوانین، آیین‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های بهسازی، نوسازی و توانمندسازی بافت‌های هدف توسط وزارت راه و شهرسازی، شرکت عمران و بهسازی شهری ایران (مادر تخصصی)؛ توسط دفتر مطالعات کاربردی و امور ترویجی با همکاری روابط عمومی گردآوری و تنظیم شده و چاپ اول آن در بهار ۱۳۹۴ منتشر می‌گردد.

-موضوع محله‌های فرهنگی به‌عنوان رویکردی خلاق در بازآفرینی سکونتگاه‌های غیررسمی و ناکارآمد موردنظر واقع می‌شود. از نمونه پژوهش‌های علمی در این باره می‌توان به «بازآفرینی شهری از طریق تبیین محله‌های فرهنگی برای حضور در صنایع خلاق» (قلعه‌نویی و خان محمدی، ۱۳۹۴) و «بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ از طریق توسعه صنایع خلاق و تبیین محله‌های فرهنگی در بافت‌های تاریخی شهر» (خان محمدی و قلعه‌نویی، ۱۳۹۵) اشاره نمود. -ابتناء فعالیت‌های مربوط به بازآفرینی بر نظر و خواسته مردم، موضوع مهم دیگری است. پژوهش «راهبردهای ارتقای کیفیت محیطی سکونتگاه‌های غیررسمی بر مبنای نظرات ساکنان. نمونه مطالعه: محله حصار در شهر همدان» (سجاد زاده و همکاران، ۱۳۹۵) در همین باره به نگارش درآمده است.

-یافتن حلقه اتصال اقدام‌های مرتبط با بازآفرینی با الگوی حکمروایی خوب شهری یکی دیگر از قطعه‌های پازل مجموعه بازآفرین است. نوشتار علمی «بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر الگوی حکمروایی خوب (نمونه موردی محله ده ونک، منطقه ۳ تهران)» (عظیمی آملی و جمع دار، ۱۳۹۵) به این مهم اشاره دارد.

-طرح بحث نوشهرگرایی و کاربرد اصول آن در بازآفرینی را در پژوهش «امکان‌سنجی به‌کارگیری اصول نوشهرگرایی در بازآفرینی پایدار محلات ناکارآمد و مسئله‌دار شهری با تأکید بر رشد هوشمند (مورد پژوهی: بخش مرکزی شهر اهواز)» (محمدی دوست و همکاران، ۱۳۹۵) می‌توان شاهد بود.

-کاربرد سرمایه اجتماعی در بازآفرینی در پژوهشی با عنوان «برنامه‌ریزی محله محور و بازآفرینی پایدار بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر سرمایه اجتماعی. نمونه موردی: محله جولان شهر همدان» (صفایی پور و زارعی، ۱۳۹۶) قابل جستجو است.

-توجه به رونق اقتصادی برای تحقق بازآفرینی، امر مهمی است که نوشتار علمی با عنوان «رشد اقتصادی و توسعه شهری از طریق بازآفرینی خانه‌های ارزشمند تاریخی؛ نمونه موردی: خانه‌های تاریخی شهر همدان» (مولایی و سلیمانی، ۱۳۹۶) به این امر اختصاص یافته است.

-بازآفرینی پایدار و بازآفرینی شهری پایدار به‌عنوان یک مفهوم در دو قالب واژگانی، توسط پژوهشگران و صاحب‌نظران دنبال می‌شود. نمود آن در نوشتار «برنامه‌ریزی راهبردی ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی با تأکید بر بازآفرینی شهری پایدار، نمونه موردی: محله امام حسن عسکری (ع) شهر کرمان» (زمانی و مهدوی، ۱۳۹۶) و نیز «بازآفرینی پایدار بافت‌های ناکارآمدی شهری مورد مطالعه منطقه ۱۰ شهر تهران» (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۶) قابل‌ردیابی است.

-بررسی نقش گردشگری در بازآفرینی و تلفیق رونق گردشگری با بازآفرینی شهری، موضوعی است که از نظر صاحبان اندیشه مغفول نمانده آن‌طور که در نوشتار علمی «تحلیلی بر گردشگری شهری در بازآفرینی بافت‌های

تاریخی از دیدگاه ساکنین محلی با بهره‌گیری از روش تحلیل عاملی؛ نمونه موردی: شهر شیراز» (کریم زاده و همکاران، ۱۳۹۷) پیداست.

-بازآفرینی اجتماع محور با استفاده از اصل آموزش، از موضوع‌های قابل توجه دیگر در این باره است و رویکردی نو در بازآفرینی در کشور محسوب می‌گردد. آن‌گونه که سند علمی «تدوین چارچوب مفهومی بازآفرینی شهری اجتماع‌محور مبتنی بر آموزش در بافت‌های تاریخی» (نژاد ابراهیمی و نژاداغی، ۱۳۹۷) بدان می‌پردازد.

- تجزیه و تحلیل و نتایج نتایج مطالعه میدانی

در خصوص دستاوردهای فرایند کاربرد دلفی در پژوهش حاضر برای حصول به نتایج (دستیابی به شاخص‌ها) ابتدا لازم است بیان گردد که دلفی در برگیرنده یکسری از راندها است و دلفی کلاسیک معمولاً شامل چهار راند می‌باشد که بطور معمول به سه راند تعدیل می‌گردد (Powell, 2003; 376-382 & McKenna, Hasson and Smith, 2002;) (314-322). بنابراین فرایند دلفی را می‌توان به صورت زیر در نظر گرفت:

فعالیت قبل از شروع: فعالیت‌های قبل از شروع شامل تکوین سؤال تحقیق و پیش‌آزمون برای مناسب بودن کلمات از قبیل ابهام و عدم وضوح است که پایلوت باید در خارج از جایگاه پژوهش و بخصوص در صورت بی تجربه بودن محقق برای مشخص‌سازی ابهامات و برآورد زمان تخمینی (Powell, 2003; 376-382 & Dunham, 1996. [Cited] & Hsu and Sandford, 2008 [2002 Mar 24]) را پیش‌آزمون یا پایلوت کنند تا سؤالات روشن و تمرکز سؤالات بر هدف تحقیق حفظ گردد (Rowe and Wright, 1999; 353-375). همچنین با افراد شرکت‌کننده تماس برقرار گردد که نیازمند توجه به مواردی چون عرض ادب و احترام، معرفی فرم، ارائه هدف و معرفی مرکز یا شخص انجام‌دهنده، علت انتخاب، پاسخ دادن به چند سؤال یا پرسشنامه، زمان مورد نیاز، نحوه دریافت پرسشنامه، نحوه دریافت نتایج، تمایل به شرکت و تشکر است (Okoli and Pawlowski, 2004; 15-29).

راند اول؛ در دلفی کلاسیک، اولین پرسشنامه به صورت بدون ساختار یا بازپاسخ ارسال می‌گردد که به عنوان استراتژی زایش ایده‌ها عمل نموده و هدف آن آشکارسازی کلیه موضوعات مرتبط با عنوان تحت مطالعه است (Bowles, 1999; 32-36 & Windle, 2004; 46-47). از هر یک از متخصصین درخواست می‌شود تا شخصاً طوفان مغزی برقرار کند، هر نوع ایده و نظر خود را آزادانه مطرح نماید و فهرست موضوعات مورد نظر خود را بطور مختصر و بدون نام برگرداند (Jones and Hunter, 1995; 376-380). نیازی به توسعه کامل ایده‌ها نیست و تلاشی برای ارزیابی یا قضاوت نظرات صورت نمی‌گیرد (Powell, 2003; 376-382 & Sydjavadin, 1994 & Chas and Bryan, 1998;) (431-449) در این مرحله، تمام پاسخ‌های مرتبط تا حد امکان جمع‌آوری شده، چرا که بقیه مراحل بر اساس مرحله اول شکل می‌گیرد (Sarokhani, 1994). پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌های برگشتی، پاسخ‌ها سازماندهی، نظرات مشابه ترکیب، گروه بندی و موضوعات تکراری و حاشیه حذف می‌شود و تا حد امکان پاسخ‌ها کوتاه می‌گردد (Bramwell and Hykawy, 1999; 47-58 & Farley, 2005; 122-128). آنالیز پاسخ‌های اولین راند بر اساس پارادایم تحقیق (کدهای کیفی و یا خلاصه‌های آماری) صورت می‌گیرد (Landeta, 2006: 467-482). نتیجه نهایی،

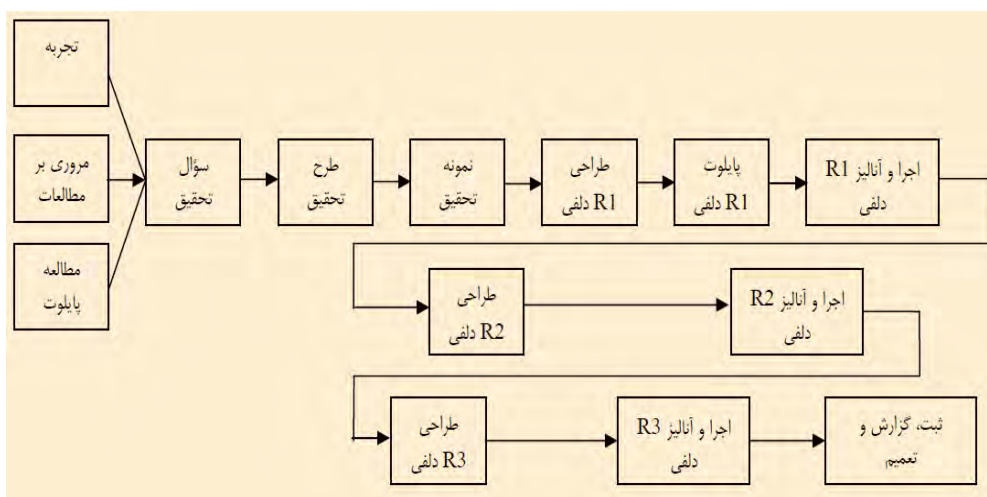
مشخص شدتتم ها و شناسایی عناوین است که محقق آن را تبدیل به پرسشنامه دارای ساختاری می‌نماید که به عنوان ابزار راند دوم مورد استفاده قرار می‌گیرد (Tavakol and Torabi & Chu and Hwang, 2008; 2826-2840). نکته مهم این که هرچند سؤالات بازپاسخ روشی قوی در جمع‌آوری اطلاعات هستند، اما اگر اطلاعات پایه در زمینه موضوع وجود داشته باشد، از پرسشنامه نیمه ساختاری یا دارای ساختار بر اساس مطالعات قبلی استفاده می‌شود (Landeta, 2006: 467-482).

راند دوم؛ از راند دوم به بعد، اغلب پرسشنامه دارای ساختار استفاده شده و از افراد مشابه در راند اول خواسته می‌شود تا هر عنوان را با استفاده از مقیاس لیکرت رتبه بندی، و به عبارتی، کمیت پذیر نمایند (Dunham, 1996. [Cited 2002 Mar 24] & Babbie, 2006). در اینجا موارد توافق و عدم توافق مشخص می‌شود و فضایی برای شناسایی ایده های جدید، تصحیح، تفسیر، حذف و توضیح قدرت و ضعف آنها به وجود می‌آید (Fathivajgar, 2004) و حتی در بعضی موارد، از شرکت کنندگان خواسته می‌شود تا استدلال و دلیل اولویت‌بندی خود بین ایتماها را بیان نمایند (Landeta, 2006: 467-482). در این راند، انگیزه اعضای پانل به شرکت بیشتر می‌گردد چرا که آنها بازخورد پاسخ‌های خود را دریافت می‌کنند و مشتاق به تعیین کیفیت پاسخ‌های همکاران خود هستند. به عبارتی، انگیزه در اعضای پانل منجر به شرکت فعال آنها در توسعه ابزار و یا برنامه می‌شود که امتیاز مهم دلفی است (Powell, 2003; 376-382 & Dempsey, 2000). پس از جمع‌آوری پرسشنامه دوم، آنالیز و خلاصه آماری (از قبیل چارک و میانه) و یا تمها و رتبه بندی تهیه می‌گردد (Beretta, 1996; 79-89 & Gibson, 1998; 451-459). نتیجه آن آغاز شکل-گیری همگرایی نظرات بین شرکت‌کنندگان است (Powell, 2003; 376-382).

راند سوم؛ در این مرحله، از شرکت کنندگان درخواست می‌شود تا پاسخ‌ها را مجدداً مرور نموده در صورت نیاز در نظرات و قضاوت‌های خود تجدید نظر کرده و دلایل خود را در موارد عدم اجماع ذکر نمایند و با در نظر گرفتن میانگین و میانه نمرات هر عنوان، اهمیت آن را درجه‌بندی نمایند (Salsali and Parvizy, 2003). در اینجا نیز رتبه بندی نظرات انجام شده، پیش‌بینی‌های جدید ارائه می‌شود و خلاصه آماری پاسخ‌ها تهیه می‌گردد (Powell, 2003; 376-382). بطور معمول، از این راند به بعد، اعضا پاسخ‌های خود و سایرین را دوباره ملاحظه نموده و فرایند تا زمان عدم دستیابی به ایده جدید و شناسایی ضعف‌ها و قوت‌های همه نظرات تکرار می‌گردد (Okoli and Pawlowski, 2004; 15-29). البته تعداد راندهای بعدی با توجه به زمان، هزینه و احتمال خستگی شرکت کنندگان در نظر گرفته می‌شود (Powell, 2003; 376-382). در صورت لزوم، نامه‌های یادآوری در هر راند ارسال می‌شود و بازرسی مداوم در سرتاسر فرایند دلفی صورت خواهد گرفت (Fry and Burr, 2001; 235-241).

راند چهارم؛ در راند چهارم که اغلب آخرین راند می‌باشد، لیست آیتماهای باقیمانده، رتبه بندی‌ها، نظرات اقلیت و موارد اجماع بین پانلیست‌ها توزیع می‌شود و آخرین فرصت را برای شرکت کنندگان فراهم می‌کند تا در نظرات خود تجدید نظر کنند (Dunham, 1996. [Cited 2002 Mar 24] & Manca et al, 2007; 227-286).

تصمیم و تصویب؛ در این قسمت نتایج نهایی تهیه و منتشر و متخصصین در نتایج سهم می‌گردند (Okoli and Pawlowski, 2004; 15-29).



شکل شماره ۲: راندهای اصلی (سه گانه) فرایند دلفی

منبع: یافته‌های پژوهش

شرکت کنندگان دلفی متخصصین یا خبرگان^۱ و یا پانلیست‌ها^۲ می‌باشند (Powell, 2003; 376-382). آن‌ها به چهار خصوصیت نیاز دارند (Landeta, 2006; 467-482 & Langlands et al, 2008; 157-165 & Bramwell and Hykawy, 1999; 47-58): دانش و تجربه در موضوع، تمایل، زمان کافی برای شرکت و مهارت‌های ارتباطی مؤثر و پارامترهای کلیدی مطالعه نیز صلاحیت پانلیست‌ها، اندازه پانل و روش انتخاب آنها است (Powell, 2003; 376-382). هیچ قانون قوی و صریحی در مورد نحوه انتخاب و تعداد متخصصین وجود ندارد و تعداد آنها وابسته به فاکتورهای هموزن یا هتروژن بودن نمونه، هدف دلفی یا وسعت مشکل، کیفیت تصمیم، توانایی تیم تحقیق در اداره مطالعه، اعتبار داخلی و خارجی، زمان جمع‌آوری داده‌ها و منابع در دسترس، دامنه مسأله و پذیرش پاسخ است (Powell, 2003; 376-382 & Landeta, 2006; 467-482 & Chu and Hwang, 2008; 2826-2840 & Manca et al, 2007; 227-286 & Cornick, 2006; 62-68). تعداد شرکت کنندگان اغلب کمتر از ۵۰ نفر و اغلب بین ۱۵ تا ۲۰ نفر است. در گروههای هموزن، تعداد ۱۰ الی ۱۵ نفر کافی است (Manca et al, 2007; 227-286). در پاسخ به این پرسش که «کدام ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مشترک در ارتقا کیفی سکونتگاه‌های غیررسمی و بازآفرینی شهری پایدار در ایران مؤثر هستند؟» با استفاده از تکنیک دلفی، چهار بعد و برای هر یک از ابعاد، تعداد زیادی شاخص بدست آمد. این شاخص‌ها در سه دور مختلف بین تعداد ۵۰ نفر از متخصصین توزیع گردید. آندسته از شاخص‌ها در ذیل هر یک از ابعاد که مورد توافق عمومی قرار نداشته و امتیاز پایین برخوردار بودند حذف گردیده و تنها شاخص‌هایی از میانگین نمره بالاتری دریافت کردند ابقا شدند. این شاخص‌ها مورد اجماع نظر متخصصین در حوزه بهسازی و ساماندهی و بازآفرینی بافت‌های نارکارآمد، فرسوده و غیررسمی و نیز پژوهشگران و اساتید این حوزه بوده است. در ادامه درج گردیده است.

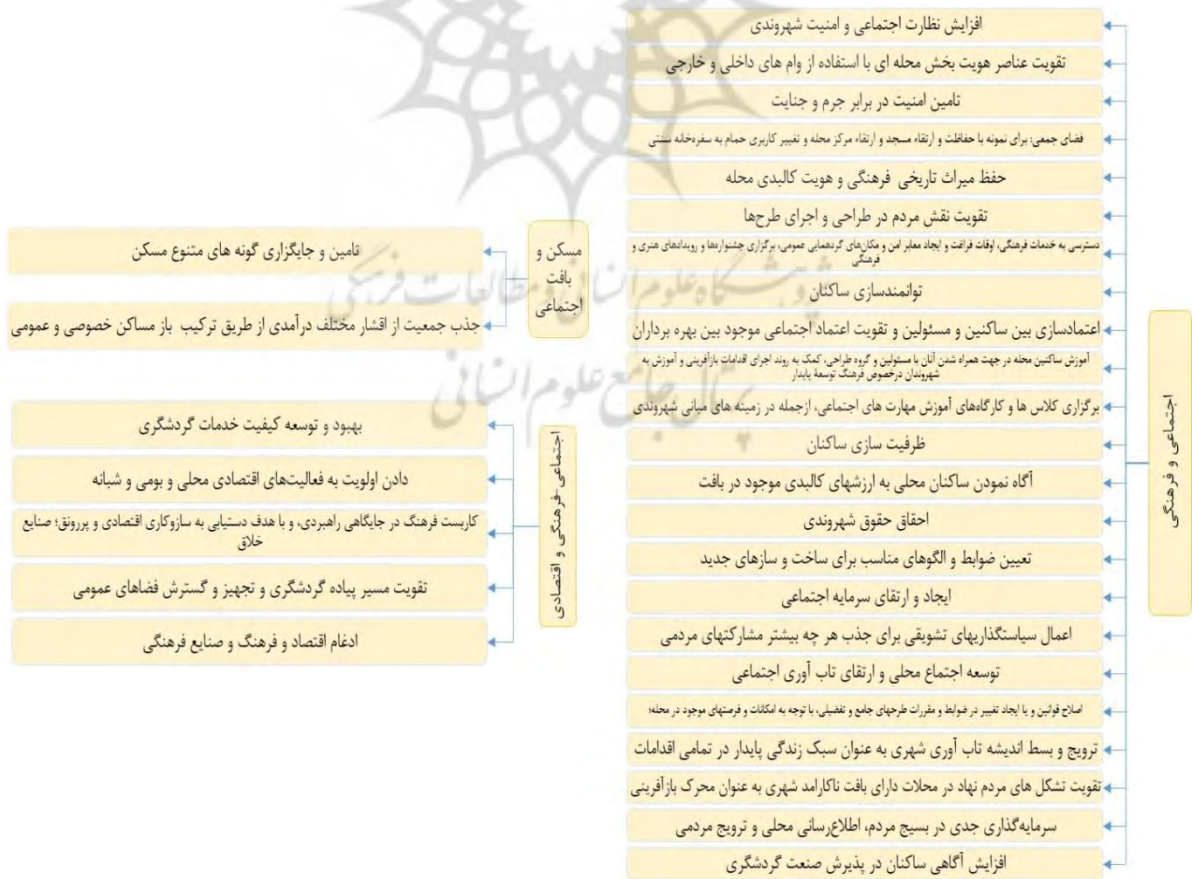
نخست-شاخص‌های بعد کالبدی که در شکل شماره ۳ آمده است.

¹ experts
² panelists



شکل شماره ۳: شاخص های بعد کالبدی منبع: یافته های پژوهش

دوم- شاخص های بعد اجتماعی و فرهنگی که در شکل شماره ۴ آمده است.



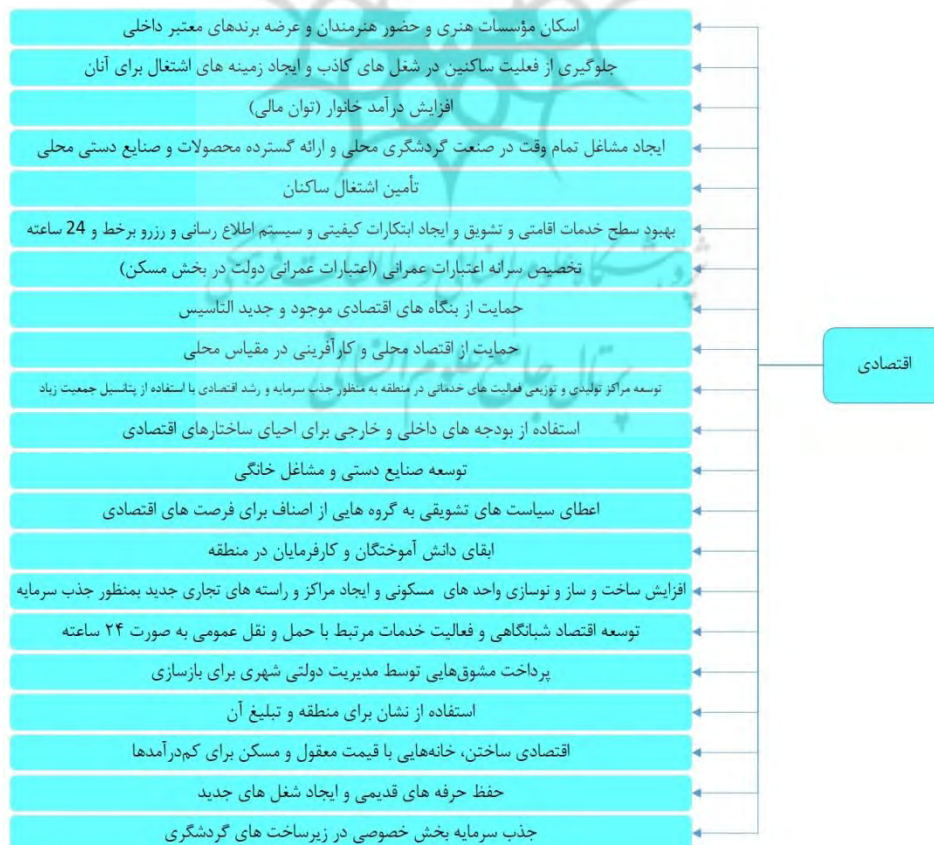
شکل شماره ۴: شاخص های بعد فرهنگی منبع: یافته های پژوهش

سوم-شاخص‌های بعد زیست محیطی در شکل شماره ۵ نشان داده شده است.



شکل شماره ۵: شاخص‌های بعد زیست محیطی منبع: یافته‌های پژوهش

چهارم-شاخص‌های بعد اقتصادی در شکل شماره ۶ درج شده است.



شکل شماره ۶: شاخص‌های بعد اقتصادی منبع: یافته‌های پژوهش

پنجم- شاخص‌های بعد مدیریتی که در شکل شماره ۷ به تصویر کشیده شده است.



شکل شماره ۷: شاخص‌های بعد مدیریتی منبع: یافته‌های پژوهش

منابع

- ایراندوست، کیومرث (۱۳۸۶)، اسکان غیررسمی، جلوه‌ای از توسعه ناپایدار شهری، مورد کرمانشاه، به راهنمایی مظفر صرافی و ژیلا سجادی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم زمین، گروه جغرافیا
- بیات، آصف (۱۳۷۹)، سیاست‌های خیابانی، جنبش تهیدستان در ایران، مترجم: سید اسدالله نبوی جاشمی، نشر شیرازه
- پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۸۰)، مشکلات شهری کشور، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال شانزدهم، شماره ۱
- پیران، پرویز (۱۳۶۶ ب)، شهرنشینی شتابان و ناهمگون-مسکن نابهنجار، قسمت دوم، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال دوم، شماره ۱۵، دیماه
- پیران، پرویز (۱۳۶۷ الف)، شهرنشینی شتابان و ناهمگون (بخش پنجم)، آونک نشینی در تهران، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۸، فروردین ۶۷
- پیران، پرویز (۱۳۶۷ ب)، شهرنشینی شتابان و ناهمگون (بخش ششم)، آونک نشینی در تهران، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۸، اردیبهشت ۱۳۶۷
- پیران، پرویز (۱۳۸۲)، اجتماعات آونکی پدیده‌ای فراتر از حاشیه و حاشیه نشینی، سال سوم، شماره ۳۲
- پیران، پرویز (۱۳۸۲)، اجتماعات آونکی پدیده‌ای فراتر از حاشیه و حاشیه نشینی، سال سوم، شماره ۳۲
- حاج یوسفی، علی (۱۳۸۲)، پدیده حاشیه نشینی شهری قبل از انقلاب، مجموعه مقالات حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی، انتشارات سازمان بهزیستی کشور، تهران
- حاجی پور، خلیل (۱۳۸۶) مقدمه‌ای بر سیر تحول و تکوین رویکردهای مرمت شهری (دوره زمانی بعد از جنگ جهانی اول تا آغاز هزاره سوم). اندیشه ایران‌شهر، فصلنامه‌ای در زمینه شهرشناسی. سال دوم، شماره نهم و دهم
- حبیبی، محسن (۱۳۹۴) مفهوم بازآفرینی شهری در نظر و عمل؛ گفت و گو با دکتر سید محسن حبیبی. نشریه هفت شهر، شماره ۵۱-۵۲: زمستان ۱۳۹۴؛ صص ۵۵-۵۹
- حسامیان، فرخ و اعتماد، گیتی و حائری، محمدرضا (۱۳۷۷)، شهرنشینی در ایران، انتشارات آگاه
- حسن زاده، مهرنوش و حسین سلطان زاده (۱۳۹۵) طبقه‌بندی راهبردهای برنامه‌ریزی بازآفرینی بر اساس سطح پایداری بافت-های تاریخی؛ فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی؛ فصلنامه علمی پژوهشی شماره بیست و سوم بهار ۱۳۹۵ صص ۲۳ تا ۲۵
- خاتم، اعظم (۱۳۸۱)، سهم مردم، سهم دولت در طرح‌های توانمندسازی و بهسازی محله، هفت شهر، سال سوم، شماره نهم و دهم

- رابرتز ماریون (۱۳۸۱) طراحی شهری و تجدید حیات شهری. مترجم: معلمی، بهرام. فصلنامه هفت شهر. سکه‌روانی، محمدمحیط، ساماندهی و توانمندسازی اسکان غیررسمی با تأکید بر شهر شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد، ۱۳۸۴
- سلامتی، میعاد؛ سارا سلامت و جهان رستمی نیا، (۱۳۹۲)، توسعه پایدار و متوازن با مشارکت همگانی با رویکرد تحول در تهیه طرح‌های توسعه (مطالعه موردی نهبندان)، اولین کنفرانس معماری و فضاهای شهری پایدار، مشهد، گروه پژوهش‌های کاربردی پرمان
- صحی زاده، مهشید؛ ایزدی، محمد سعید (۱۳۸۳) حفاظت و توسعه شهری: دو رویکرد مکمل یا مغایر؟ فصلنامه شهرسازی و معماری آبادی. سال چهاردهم، شماره ۴۵
- صرافی، مظفر (۱۳۸۱)، به سوی تدوین راهبرد ملی ساماندهی اسکان غیررسمی - از پراکنده کاری گزینشی تا همسویی فراگیر، هفت شهر، سال دهم، شماره نهم و دهم
- صرافی، مظفر (۱۳۸۱)، به سوی نظریه‌ای برای ساماندهی اسکان غیررسمی - از حاشیه نشینی تا متن شهرنشینی، در هفت شهر، فصلنامه عمران و بهسازی شهری، سال سوم، شماره هشتم، تابستان
- فلامکی، محمد منصور (۱۳۸۶) باززنده سازی بناها و شهرهای تاریخی. انتشارات دانشگاه تهران. چاپ ششم
- کلانتری خلیل آباد، حسین. پوراحمد، احمد (۱۳۸۴). فنون و تجارب برنامه ریزی مرمت بافت تاریخی شهرها. سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی. چاپ اول.
- مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۸۵
- نراقی، فثانه (۱۳۷۹) مجموعه‌ها، مراکز تاریخی و سیر تحول جنبش حفاظت و صیانت از آثار معماری. هفت شهر، شماره دوم
- نوذری، آذرذخت (۱۳۸۵)، ساماندهی و توانمندسازی اسکان غیررسمی شهر اهواز (کوی منبع آب)، به راهنمایی کرامت الله زیاری، دانشگاه یزد، مجتمع علوم انسانی، گروه جغرافیا
- همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۱)، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه: محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، نشر مرکز، چاپ سوم
- Ali AK. [Using the Delphi technique to search for empirical measures of local planning agency power]. [cited 2008 30 Sep]. Available from: <http://www.nova.edu/ssss/QR/QR10-4/ali.pdf>
- Babbie ER. The Practice of Social Research, 11th ed. USA: Wadsworth Co. 2006.
- Beretta R. A critical review of the Delphi technique. Nurse Res 1996; 3(4): 79-89.
- Bramwell L, Hykawy E. The Delphi technique: a possible tool for predicting future events in nursing education 1974. Can J Nurs Res 1999 Mar; 30(4): 47-58.
- Browne N, Robinson L, Richardson A. A Delphi study on the research priorities of European oncology nurses. Eur J Oncol Nurs 2002 Sep; 6(3): 133-44.
- Burns N, Grove S. The practice of nursing research. 4th ed. Philadelphia: WB Saunders Co. 2001.
- Chas C, Bryan G. Utilizing the Delphi technique in policy discussion: a case study of a privatized utility in Britain. Public Administration 1998; 76(3): 431-49.
- Chu H, Hwang GJ. A Delphi-based approach to developing expert systems with the cooperation of multiple experts. Expert Systems with Applications 2008; 34(4): 2826-40.
- Chu H, Hwang GJ. A Delphi-based approach to developing expert systems with the cooperation of multiple experts. Expert Systems with Applications 2008; 34(4): 2826-40.
- Dempsey PA, Dempsey AD. Using nursing research: process, critical evaluation, and utilization. 5th ed. Lippincott Williams and Wilkins Co. 2000.
- Dunham R. The Delphi technique. 1996. [Cited 2002 Mar 24]. Available from: <http://www.medsch.wisc.edu/adminmed/2002/orgbehav/delphi.pdf>
- Farley CL. Midwifery's research heritage: a Delphi survey of midwife scholars. J Midwifery Womens Health 2005 Mar-Apr; 50(2): 122-8.
- Fry M, Burr G. Using the Delphi technique to design a self-reporting triage survey tool. Accid Emerg Nurs 2001 Oct; 9(4): 235-41.
- Giorgio Tavano Blessi, Diane-Gabrielle Tremblay d, Marco Sandri, Thomas Pilati, Elsevier (2012), New trajectories in urban regeneration processes: Cultural capital as source of human and social capital accumulation - Evidence from the case of Tohu in Montreal.

- Giorgio Tavano Blessi, Diane-Gabrielle Tremblay d, Marco Sandri, Thomas Pilati, Elsevier (2012), New trajectories in urban regeneration processes: Cultural capital as source of human and social capital accumulation – Evidence from the case of Tohu in Montreal.
- Hsu Ch, Sandford BA. The Delphi technique: making sense of consensus. [cite 2008 Oct 19]. Available from: <http://pareonline.net/pdf/v12n10.pdf>
<http://vazeh.com/>
<http://www.salamatnews.com/news>
<https://tejaratnews.com/>
<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/10/12/1284649/11->
- Imani Jajarami H. [Ashnaie ba ravesh Delphi va karborde an dar tasmingiri]. Fasnameh Modiriat Shahri 2000; 1(1): 35-9. Persian
- Irannej adeparizy M. [Raveshhaye tahghig dar olume ejtem aie]. 1st ed. Tehran: Nashre Modiran. 1999. Persian
- Izadi, M.S(2006). Astudy on citycenter Regenertion: A comparative analysis of two different approaches to the revitalization of historic city centers in Iran. Newcastle University.
- Jones J, Hunter D. Consensus methods for medical and health services research. BMJ 1995 Aug 5; 311(7001): 376-80.
- Keeney S, Hasson F, McKenna HP. A critical review of the Delphi technique as a research methodology for nursing. Int J Nurs Stud 2001 Apr; 38(2): 195-200.
- Kennedy HP. Enhancing Delphi research: methods and results. J Adv Nurs 2004 Mar; 45(5): 504-11.
- Landeta J. Current validity of the Delphi method in social sciences. Technological Forecasting and Social Change 2006; 73(5); 467-82.
- McDonald, S. Naglis, M. & Vida, M. (2009). Urban Regeneration For Sustainable Communités: A Case Study. Baltic Journal on Sustainability. 15(1):49-59.
- McDonald, S. Naglis, M. & Vida, M.)2009(. Urban Regeneration for Sustainable Communités: A Case Study. Baltic Journal on Sustainability. 15)1(:49-59.
- McKenna H, Hasson F, Smith M. A Delphi survey of midwives and midwifery students to identify non-midwifery duties. Midwifery 2002 Dec; 18(4): 314-22.
- McKenna HP. The Delphi technique: a worthwhile research approach for nursing? J Adv Nurs 1994 Jun; 19(6): 1221-5.
- Okoli C, Pawlowski SD. The Delphi method as a research tool: an example, design considerations and applications. Information and Managm ent 2004; 42(1): 15-29.
- Piran, Parviz (1382) ejtemaat alonaki padidei faratr az hashienschini, sal sevom, shomare 32
- Roberts Marion (1381) tarrahi shahri va tajdidd hayat shahri. Motarjrm; Moalemi, Bahram. Faslname haftshahr
- Roberts, P, The. Evolution, definition and purpose of urban regeneration, in P. Roberts and H Syke (esd). Urban Regeneration, A Handbook. British Urban Regeneration Association, SAGE Publications, London, 9-36, 2000.
- Roberts, P. & Sykes, H.)2000(. Urban Reeneration: Handbook, London. Sage Publications
- Sarokhani B. [Raveshahghig dar olume ejtemaie (Osule Mabani)]. 1st ed. Tehran: Pajoheshkadeh Olume Ensani va Motaleate Farhangi. 1994. Persian
- Sydjavadin R. [Barnameriziye niroye ensani]. 1st ed. Tehran: Pajoheshkadeh Olume Ensani va Motaleate Farhangi. 1994. Persian
- Tavakol M, Torabi S. [Payehaye tahghig dar parastari]. Nizoyadomi R (Author). 1st ed. Tehran: Boshra. 1993. Persian
- Turoff M, Linstone HA. The Delphi method: techniques and applications. [cited 2008 Oct 19]. Available from: <http://is.njit.edu/pubs/delphibook/>
- van Teijlingen E, Pitchforth E, Bishop C, Russell E. Delphi method and nominal group technique in family planning and reproductive health research. J Fam Plann Reprod Health Care 2006 Oct; 32(4): 249-52.
- Windle PE. Delphi technique: assessing component needs. J Perianesth Nurs 2004 Feb; 19(1): 46-7.